

انتشارات انصار امام مهدی (علیه السلام) (۱۱۹)

رؤیا در مفهوم

الاهل بیت علیهم السلام

نویسنده: استاد ضیاء زیدی

چاپ اول

۱۴۳۵ هـ.ق - ۲۰۱۴ م

دی ماه ۱۳۹۲ هجری شمسی

جهت اطلاعات بیشتر در مورد دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه السلام

لطفاً از وبسایت ما بازدید فرمایید:

<http://almahdyoon.co>

<http://almahdyoon.co/ir>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء:

به رخ برتابیده در درون زندانها ...
و شیعه‌ی او در اطراف زمین ...
سرور و مولایم موسی کاظم ...
این عمل اندک را هدیه می‌کنم ...
پس با پذیرش و رضایت مندی بر من تصدقی کن ...
ای ابا الرضا ...

بنده‌ی تو و فرزند بنده‌ی تو و فرزند کنیز تو هستم.

ضیاء

رسول الله ﷺ فرمودند:

(من لم يؤمن بالرؤيا الصالحة لم يؤمن بالله ولا باليوم الآخر).^(۱)

(هر کس به رؤیای صالحه ایمان ندارد، هرگز به خدا و روز واپسین ایمان نداشته است).

راست فرمودند رسول الله ﷺ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللهم صلِّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً
اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه، وما قصرنا عنه فبلغناه.

تقديم:

قبل از هر چیز انسان باید بداند که خداوند سبحان و تعالی، غیب است و راه رسیدن به غیب نیز غیب است و راه غیب گشوده نمی‌گردد مگر به دست غیب. این کلام بسیار مختصر، تمام محتوا در مورد این مسئله را در بر دارد و بلکه این امر، از آغاز تا پایان است و خداوند داننده و حکم‌کننده به امور است.

بدین سبب می‌بینیم که ائمه (علیهم‌السلام) بر این جانب غیبی تمرکز داشته و در احادیث بسیاری بر آن تأکید کرده‌اند و نیز سید احمد الحسن (علیه‌السلام) فرمودند: **(پس ایمان کامل، صد در صد ایمان به غیب می‌باشد و آن ایمان انبیاء و مرسلین است).** و انصار برخی از رؤیاهای را در انتشارات خود، گردآوری کردند و منزلت و شأن عظیم رؤیا در نزد آل محمد (علیهم‌السلام) را تبیان ساختند.

اما در مقابل امر خداوند سبحان و حجت اولیای او (علیهم‌السلام) و تأییدات غیبی، باید باطل و ضلالتی نیز وجود داشته باشد و آن طریق ابلیس (لعنة الله) و لشکر ملعون ابلیس است و آنان بُریدگان راه و راهزنان و مُنکران راه غیب هستند، و اگر نه دنیا دار امتحان و گرفتاری نبود.

پس بر انسان واجب است، راه و مسیری که بر آن گام بر می‌دارد را، شناسایی کند، که آیا این راه موافق و طبق خواست آل محمد (علیهم‌السلام) می‌باشد یا خیر. و بداند که راه مخالف با آل محمد (علیهم‌السلام) راه ابلیس (لع) است، هر چند لباسی که به تن کرده، از این طریق بوده یا آن یکی.

پس اگر آل محمد (علیهم‌السلام) را بیابیم، بر حجتی از حجج خداوند سبحان دلالت و تأکید بسیار می‌کنند، و در سوی دیگر منکرانی بیابیم که این حجت را رد می‌کنند بلکه بر انکار آن بسیار لجباز بوده و اصرار می‌ورزند، امروز از طریق این حجج، حجیت رؤیا را عرضه خواهیم کرد؛ چرا که آل محمد (علیهم‌السلام) بر حجیت آن تأکید کردند که ان شاء الله به آن خواهیم پرداخت. به

همین سبب منکران حق این حجت الهی، هرگز از ایجاد هرج و مرجها به منظور نفی حجت اولیای الهی (علیهم السلام) و گمراهی مردم، دست بر نمی داشتند.

و اگر خداوند سبحان، مردم را بر کردار نیک مجبور می ساخت و هرگز آنان را مورد امتحان قرار نمی داد، قطعاً اجر و پاداش نیز باطل می گشت و این امر نزد تبعیت کنندگان تاریخ و حدیث اهل بیت (علیهم السلام) آشکار است، و ساده ترین مثال برای این مسئله، مثال صدای معجزه آسائی است که خداوند بنی اسرائیل را به سبب خروجش از گوساله ی سامری، مبتلاء کرد.

در حدیثی شریف از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: (... ثم أوحى الله إلى موسى (عليه السلام): إنا قد فتنا قومك من بعدك وأضلهم السامري و عبدوا العجل وله خوار. فقال موسى (عليه السلام): يا رب العجل من السامري، فالخوار ممن؟ فقال: ميني يا موسى، إني لما رأيتهم قد ولّوا عني إلى العجل أحببت أن أزيدهم فتنة).^(۲)

(... سپس خداوند به موسی (علیه السلام) وحی کرد: همانا ما قوم تو را بعد از تو، مورد امتحان قرار دادیم و سامری آنان را گمراه ساخته و گوساله را به جای خدا مورد پرستش قرار دادند، در حالی که صدای معجزه آسا دارد. موسی (علیه السلام) عرض کرد: بار الهی گوساله ساخته ی دست سامری بود، پس آن صدای معجزه آسا از کجا بود؟ فرمود: ای موسی از سوی من بود، هنگامی که دیدم از من پراکنده و دور و به سوی گوساله روانه شدند، دوست داشتم بر فتنه اشان بیفزایم).

و همان گونه که سرور فرستادگان فرمودند: (إياكم وجدال المفتون فإن كل مفتون مُلقى حجته إلى انقضاء مدته، فإذا انقضت مدته أحرقتة فتنته بالنار)، (با کسانی که گرفتار فتنه ها شده اند مجادله نکنید چون آنها در فتنه ها و آشوبها دچار کج رویها و انحرافات شده اند و دست از خیالات خود بر نمی دارند، آنها را واگذارید تا با برهانهای خود وارد آتش گردند).^(۳)

۲. تفسیر القمی: ج ۲، ص ۶۲.

۳. وسائل الشیعة (آل البیت): ج ۱۲، ص ۱۹۸.

و از امام صادق (علیه السلام) با این مضمون روایت شده که فرمودند: (إياكم وجدال المفتون فإن كل مفتون مُلقى حجته، إلى انقضاء مدته، فإذا انقضت مدته أشغلته خطيئته فأحرقته)، (با کسانی که گرفتار فتنه‌ها شده‌اند مجادله نکنید؛ چون آن‌ها در فتنه‌ها و آشوب‌ها دچار کج‌روی‌ها و انحرافات شده‌اند و دست از خیالات خود بر نمی‌دارند، آن‌ها را واگذارید تا با برهان‌های خود وارد آتش گردند).^(۴)

آری، خداوند سبحان درب ضلالت و گمراهی را به صورت نهائی و طبق مرادِ باطل نمی‌بندد، و الا دنیا، محل آزمایش و امتحان نمی‌شد؛ و اگر خداوند تمام درب‌های ضلالت و گمراهی را می‌بست، انسان چاره‌ای جز سیر و حرکت بر مسیر هدایت نداشت.

پس بدین ترتیب باید، دلایل ظاهری و آشکاری وجود داشته باشند تا اهل باطل برای گمراهی مردم از آن‌ها استفاده کنند و امتحان با این نوع حجت‌ها و دلایل صورت می‌گیرد. پس هر کس که حجت و دلیل اهل باطل را بشناسد، نسبت به راه و طریق بی‌نا می‌گردد و در فتنه‌ها نمی‌افتد؛ زیرا بطلان و دو رویی دعوتِ باطل که شبیه به حق گشته را شناسایی کرده و مثالی برای تبرئه گفته‌ی ابلیس (لع) بر گرفته. ابلیس هرگز نگفت که خدا را عصیان و سرپیچی کرده بلکه همان‌گونه گفته که خداوند از او حکایت می‌کند: ﴿قَالَ مَا مَنَّكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ﴾، (فرمود چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از این که سجده کنی گفت من از او بترسم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی).^(۵)

و بعد از این مقدمه، به جانبی از دلایل منکران وحی بزرگ الهی (رؤیا) می‌پردازیم، که کلام آنان را در پنج موضع می‌یابیم:

کلام در خصوص رؤیا بر دو قسمت است:

قسمت اول (رؤیای انبیاء)

قسمت دوم (رؤیای مردم عامه).

و کلام در باب قسمت اول حجت است به غیر از قسمت دوم، که رد شده و بر زمین

۴. مشکاة الأنوار: ص ۴۳۴.

۵. الأعراف: ۱۲.

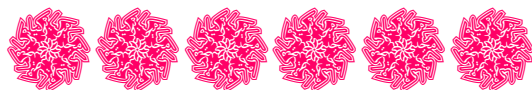
واقع غیر قابل انطباق بوده و برگرفته نمی شود.

همانا رؤیای معصوم (علیه السلام) زمانی حجیتش، منحصر می گردد که شکل معصوم در زندگی دنیایی قابل شناخت باشد؛ به عبارت دیگر باید ابتدا ویژگی های جسمی معصوم را دقیق شناسایی کند تا او را در عالم رؤیا تشخیص دهد، در غیر این صورت رؤیا حجت نیست.

رؤیا در بسیاری از مواقع بر زمین واقع نمی گردد، بدین ترتیب به سبب عدم وجود مصادیق آن در روی زمین، حجت محسوب نمی شود.

دین خداوند بالاتر و والاتر از آن است که از طریق خواب، اخذ شود همان طور که از آل محمد (علیهم السلام) روایت شده است؛ لذا طبق این نص اهل بیت (علیهم السلام)، رؤیا حجت محسوب نمی شود.

رؤیا فقط بر صاحب خود حجت می باشد و امکان احتجاج با آن بر سایر مردم به صورت عامه امکان پذیر نیست؛ زیرا یک حجت فردی و خصوصی بوده که مختص فرد شده و کسی غیر از او، شاهد آن نبوده است.



نکته اول:

رؤیای انبیاء - رؤیای عامه

منکران حجیت رؤیا، رؤیا را بر دو بخش تقسیم کرده اند: رؤیای انبیاء و رؤیای مردم عامه.

اغلب آنان، منکر رؤیای معصوم نیستند و رؤیای انبیاء و اوصیاء (علیهم السلام) در نزد اغلب آنان، حجت می باشد و این بخش اول است.

اما بخش دوم (رؤیای مردم عامه) هیچ حجیتی نزد آنان ندارد. و دلیل شان بر حجیت بودن رؤیای انبیاء و رسولان (علیهم السلام) این است که امر رؤیا بر آنان مشتبه نمی گردد یا معنا و دلالت رؤیا، در نزدشان بسیار واضح و روشن می باشد که پیامبر یا رسول (علیه السلام) نسبت به آن شک و تردیدی ندارد و شیطان در رؤیا یا وسوسه ی ایشان (علیهم السلام) تمکین ندارد، در حالی که رؤیای بقیه ی

مردم بر عکس است؛ زیرا رؤیای عامه‌ی مردم را هاله‌ای از ابهام فرا گرفته و واضح نیست و مردد و مشکوک است که آیا وحی از سوی خداوند است یا وسوسه‌ای از طرف شیطان.

و نفی‌کنندگان حجیت رؤیا، این‌چنین می‌گویند. و آنان هیچ حجتی برای مردم عامه غیر از انبیاء و اوصیاء که با رؤیا احتجاج می‌کردند، نمی‌بینند. و ما این‌جا به حول و قوه‌ی الهی، مسأله را از جوانبی که شامل این اشکال و سایر اشکالات وارد شده حول رؤیا بوده، مورد مناقشه قرار خواهیم داد تا شکل و ظاهر قضیه برای هر طالب حقی، به صورت واضح و آشکار نمایان گردد و دیگر جایی برای عذر و بهانه باقی نماند.

همانا انبیاء مکلف هستند و امتحان و آزمایش برای هر صاحب تکلیفی وجود دارد و از جمله‌ی این آزمایش‌ها، مسئله‌ی رؤیا است؛ و همان‌طور که امتحان بر انبیاء و رسولان الهی در سایر امور عامه، همواره جریان داشته، امتحان و آزمایش در خصوص تکلیف الهی در رؤیا نیز بر آنان (علیهم السلام) جاری است. و کسی گمان و تصور نکند که نتیجه‌ی آزمایش و امتحان برای انبیاء و رسولان الهی، واضح و طبیعی و کشف شده است بلکه بر عکس، این مرحله نهایت دشواری برای آنان است و تکلیفی بس دشوار می‌باشد و انسان عادی توان تصور آن را ندارد چه رسد به تحمل آن. و واضح‌ترین مثال برای این امر، قضیه‌ی ابراهیم خلیل الله (علیه السلام) است. آن هنگام که خداوند او را در عالم رؤیا به قربانی کردن فرزند دل‌بندش دستور داد و می‌فرماید:

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾، (و وقتی با او به جایگاه سعی رسید گفت ای پسرک من، من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌برم پس بین چه به نظرت می‌آید.

گفت ای پدر من آنچه را مأموری بکن ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت).^(۶)

و عجیب و غریب‌تر از آن، این بوده که بعضی‌ها به این امتحان این‌گونه نظر داشتند که این مصیبت و گرفتاری که بر ابراهیم خلیل الله (علیه السلام) در سر بُریدن فرزندش نازل شده، به سبب علاقه و دل‌بستگی شدید پدر به فرزند بوده که در نبی خدا و دوست‌دارش، طغیان کرده بود. همانا مصیبت و گرفتاری ابراهیم خلیل (علیه السلام) بوده و بزرگی این امتحان به حدی بود که خداوند متعال این امتحان را در کتاب عظیم خویش به (البلاء المبین) نامیده و چنین معرفی

می‌کند: ﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾، (راستی که این همان آزمایش آشکار بود).^(۷)

از جمله‌ی علل این عذاب – خدا و رسولش دانانترند – عدم وضوح تأویل رؤیا و تأکید ابراهیم از آن بوده است. پس ابراهیم (علیه السلام) در انجام اراده‌ی الهی، ذره‌ای شک و تردید نکرد؛ یعنی تردید ابراهیم (علیه السلام) در انجام رؤیا، به سبب عدم یقین او در قبال تکلیف الهی بوده، نه به سبب عاطفه‌ی پدری به فرزندی که بعضی‌ها چنین دریافتند! ابراهیم (علیه السلام) کسی جز خداوند سبحان نمی‌بیند و این امریست که در حدیث اهل بیت (علیهم السلام) روایت شده و به همین سبب روز ترویه، "ترویه" نامیده شد؛ زیرا ابراهیم (علیه السلام) در این روز، موقفی جهت تشخیص رؤیای خود داشت تا اطمینان یابد که آیا رؤیایی که در آن به ذبح فرزندش مأمور شد، از طرف خداوند است یا در آن پرتابی از سوی شیطان رانده شده بود.^(۸) ابراهیم در پیاده‌سازی امر الهی، موقف تشخیص را برای تأکید از امر الهی برگزید و دید که هیچ دخالتی از طرف شیطان رانده شده در این رؤیا نیست و به همین سبب، ابراهیم (علیه السلام) بار دیگر آن رؤیا را مشاهده کرد و خداوند او را به ذبح فرزندش امر کرد. سپس بعد از آن ابراهیم (علیه السلام) از طریق رؤیای دوم، وارد مرحله معرفت شد و علامه حلی رحمته الله این سخنان را برای ما نقل می‌کند: (زیرا ابراهیم (علیه السلام) در شب ترویه در عالم رؤیا می‌بیند که فرزند خود را ذبح می‌کند. صبح روز ترویه شد (یعنی مهلتی برای دیدن و تشخیص دادن رؤیا) که آیا از جانب خداوند است یا از جانب شیطان؟ پس روز «ترویه» نامیده شد. چون شب دوم فرا رسید بار دیگر در عالم رؤیا مشاهده کرد که فرزند خود را ذبح می‌کند، صبح شب دوم، روز عرفه (روز معرفت و بازشناسی وحی الهی) گشت...)^(۹)

و این چنین، بطلان گفته‌ی منکران حجیت رؤیای غیر معصوم بنا بر عدم دخالت شیطان در رؤیای اهل عصمت (علیهم السلام) آشکار می‌گردد. و این ابراهیم خلیل الله است که موقف ترویه را

۷. الصافات: ۱۰۶.

۸. و در انتشارات گذشته بیان شد که شیطان (لعنه الله) قابلیت پرتاب شدن و تعلق در یک رؤیا را دارد همان‌گونه که سید (علیه السلام) برای انصار بیان کردند و قسمتی از آن ان شاء الله در قسمت (رؤیا در مفهوم قرآن) از تفسیر المقارن بیان خواهد شد.

۹. منتهی المطلب (ط.ق) – العلامة الحلی: ج ۲ ص ۶۱۱. همان‌گونه که محقق خوانساری این کلام را در کتاب خود نقل کرده (مشارك الشمس (ط.ق): ج ۲، ص ۴۵۳).

برگرفت تا مهلتی باشد برای تشخیص و شناخت رؤیا و تأکید از عدم دخالت شیطان و لشکر او در رؤیایش (علیه السلام)، و دیگر احادیثی که عرضه خواهد شد.

... اما اولیای الهی، دلیل و راهنمای شان تنها خداوند است، از او یاری و کمک طلب می کنند و خداوند شنوای اجابت کننده است و برای آنان فرقانی قرار داده تا بوسیله ی آن، بین حق و باطل بشکافند. و ای خواننده عزیز بخوان، آنچه پیش روی شماست را بخوان و بنگر به مسیر و حرکت ابراهیم (علیه السلام)، بعد از مرحله معرفت، بنگر که چگونه در طول مسیر با شیطان و وسوسه های او در خصوص پیاده سازی و اجرای امر الهی آن هم بعد از حاصل شدن یقین و اطمینان در کسب تکلیف، دست و پنجه نرم می کند. شیطان به صورت شیخ سال خورده به سوی ابراهیم (علیه السلام) آمد در حالی که سخن می گفت تا در قلب ابراهیم شک و تردیدی نسبت به رؤیایش بیفکند. همان طور که در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است، اما ابراهیم (علیه السلام) تنها بر ادای تکلیف خویش استوار بود.

از امام باقر (علیه السلام) فرمودند: (... ثم أضحجه عليه وأخذ المدينة فوضعها على حلقة، قال: فأقبل شيخ فقال: ما تريد من هذا الغلام؟ قال: أريد أن أدبجه، فقال: سبحان الله غلام لم يعص الله طرفة عين تدبجه؟ فقال: نعم إن الله قد أمرني بدبجه. فقال: بل ربك نهاك عن دبجه وإنما أمرك الشيطان في منامك. فقال: ويلك، الكلام الذي سمعت هو الذي بلغ بي ما ترى لا والله لا أكلمك، ثم عزم على الذبح. فقال الشيخ: يا إبراهيم إنك إمام يُقتدى بك فإن ذبحت ولدك ذبح الناس أولادهم فمهلاً، فأبى أن يكلمه. قال أبو بصير: سمعت أبا جعفر (علیه السلام) يقول: فأضحجه عند الجمره الوسطى ثم أخذ المدينة فوضعها على حلقة ثم رفع رأسه إلى السماء ثم انتحى عليه قلبها جبرئيل (علیه السلام) عن حلقة، فنظر إبراهيم فإذا هي مقلوبة فقلبها إبراهيم على خدها وقلبها جبرئيل على قفاها، ففعل ذلك مراراً ثم نودي من مسيرة مسجد الخيف: يا إبراهيم قد صدقت الرؤيا ...).

(... سپس به سوی او پیش رفت و چاقو را بر گلوی او قرار داد. در این هنگام شیخی آمد و گفت: از این جوان چه می خواهی؟ فرمود: می خواهم او را قربانی کنم. گفت: سبحان الله جوانی که حتی یک لحظه خدا را معصیت نکرده را می خواهی قربانی کنی؟ فرمود: آری همانا خداوند مرا به ذبح او امر کرده است. شیخ گفت: خیر بلکه خدایت تو را از ذبح او باز

می‌دارد، و حتماً شیطان در خواب، تو را چنین دستور داده. فرمود: وای بر تو، صدائی که شنیدم همان کسی است که به من ابلاغ کرده نه به خدا سوگند که با تو سخن نمی‌گویم. سپس عزم خود را برای بُریدن سر اسماعیل حزم کرد. شیخ گفت: ای ابراهیم تو امامی هستی که به تو اقتدا می‌شود، اگر تو فرزند خود را قربانی کنی، سایر مردم نیز فرزند خود را قربانی خواهند کرد، پس اندکی مهلتی ده. ابراهیم دیگر ابا داشت با او سخن بگوید. ابو بصیر گوید: از ابا جعفر (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: او را گرفت و بر سنگ میانی قرار داد، سپس چاقو را برداشت و بر گلویش قرار داد و سر خود را به آسمان بلند کرد و چاقو را حرکت داد، جبرئیل (علیه السلام) چاقو را از لبه‌ی تیزش به قسمت ضُمُحْت آن، برگرداند. ابراهیم به آن نگاه کرد و دید، برعکس شده، بار دیگر آن را برگرداند و جبرئیل نیز آن را به پشت برگرداند، این فعل، چند بار تکرار شد تا این‌که از راه مسجد الخیف ندا آمد: ای ابراهیم به راستی که رؤیا را تصدیق کردی).^(۱۰)

شیطان رانده شده، دوست خدا و غیر او از بنی آدم (علیه السلام) را وسوسه می‌کند. اما اولیای الهی هرگز کسی را جز خداوند نمی‌بینند و او آنان را معصوم و مسدد داشته، به همین سبب همواره در راستای امر او، گام برمی‌دارند و کسی که به خداوند شک دارد، هرگز کلام او را نمی‌پذیرد و در نتیجه وحی خدا (رؤیا) را نیز قبول نمی‌کند.

همانا آل بیت نبوت (علیهم السلام) قابلیت شیطان را برای ما مشخص کرده‌اند که نمی‌تواند به هیچ وجه به صورت اولیای الله سبحانه در آید، هرگز نمی‌تواند به صورت هیچ پیامبری از انبیای الهی در آید چه برسد به چهره‌ی رسول الله ﷺ و اوصیای ایشان (علیهم السلام) بلکه حتی نمی‌تواند به صورت شیعه‌ی امیر المؤمنین (علیه السلام) به صورت عامه در آید. و در خصوص این مضمون، روایات بسیاری از اهل بیت (علیهم السلام) در مواضع مختلف وارد شده است.

از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمودند: (إذا اقترب الزمان لم تكذب رؤیا المؤمن تكذب، وأصدقكم رؤیا أصدقكم حديثاً، ورؤیا المسلم جزء من خمس وأربعين جزءاً من النبوة).
(وقتی روز قیامت فرا رسد خواب مؤمن دروغ نیست، هر کس راست گفتارتر باشد

خوابش نیز درست‌تر است و خواب مسلمان قسمتی از چهل و پنج جزء نبوت است).^(۱۱) و صدق حدیث در این‌جا تنها به انبیاء و اوصیاء اختصاص ندارد بلکه برای عامه مردم است و رسول الله ﷺ می‌فرماید که رؤیای این مؤمن نزدیک است تکذیب نشود. این رؤیا در قالب و شکل عام است نه در معصوم و به صورت خاص همان‌طور که در حدیث واضح است. آن‌چه که رسول الله ﷺ در شأن رؤیا و صاحب آن فرموده است: (خياركم اولو النهي. قيل: يا رسول الله، و من اولو النهي؟ فقال: اولو الاحلام الصادقة).
(بهترین شما اولو النهی باشند. عرض شد: اولی النهی کیستند؟ فرمود: صاحبان خواب‌های صادقه).^(۱۲)

امام رضا (علیه السلام) از پدران بزرگوارش نقل می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: (من زارني في منامه فقد زارني لان الشيطان لا يتمثل في صورتي ولا في صورة أحد من أوصيائي ولا في صورة أحد من شيعتهم، وأن الرؤيا الصادقة جزء من سبعين جزء من النبوة).
(هر کس مرا در خواب زیارت کند، به درستی که مرا زیارت کرده؛ زیرا شیطان نه به صورت من و نه به صورت اوصیای من و نه به صورت هیچ یک از شیعیان‌شان در نمی‌آید و همانا رؤیای صادقه، جزئی از هفتاد جزء نبوت می‌باشد).^(۱۳)
رسول الله ﷺ فرمودند: (من رأي في منامه فقد رأي؛ لأن الشيطان لا يتمثل في صورتي ولا في صورة أحد من أوصيائي ولا في صورة أحد من شيعتهم، وإن الرؤيا الصادقة جزء من سبعين جزءاً من النبوة).
(هر کس مرا در خواب ببیند، به درستی که مرا دیده؛ زیرا شیطان نه به صورت من و نه به صورت اوصیای من و نه به صورت هیچ یک از شیعیان‌شان در نمی‌آید و همانا رؤیای صادقه، جزئی از هفتاد جزء نبوت می‌باشد).^(۱۴)

۱۱. الأملی - الشيخ طوسی: ص ۳۸۶، بحار الانوار: ج ۵۸ ص ۱۷۲، مستدرک سفینه البحار: ج ۴ ص ۳۱، میزان الحکمة: ج ۴، ص ۱۰۱۲.

۱۲. بحار الأنوار: ج ۵۸ ص ۱۹۰، میزان الحکمة - ری شهری: ج ۲، ص ۱۰۱۳.

۱۳. عیون أخبار الرضا (علیه السلام) - للشيخ الصدوق: ج ۱ ص ۲۸۸، مدينة المعاجز - للبحراني: ج ۷ ص ۱۸۳.

۱۴. من لا يحضره الفقيه - للصدوق: ج ۲، ص ۵۸۵.

و در این شأن، حدیث مرد اعرابی که به سوی رسول الله ﷺ آمد و صاحب ثروت فراوان بود، نقل می‌شود که گفت: یا رسول الله مرا از این فرموده‌ی خداوند با خبر کنید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾، (همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده‌اند* در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است). رسول الله ﷺ فرمودند: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ آن: رؤیای حسنه‌ای است که مؤمن می‌بیند و در دنیا به او بشارت می‌دهد و اما فرموده‌ی خداوند: ﴿وَفِي الْآخِرَةِ﴾ آن: بشارت مؤمن در هنگام وفات است که در هنگام وفاتش به او بشارت می‌دهد که خداوند گناهان تو و هر آن که تو را روانه‌ی قبر سازد، آمرزیده است). (۱۵)

تا این‌جا آشکار شد که انبیاء (علیهم السلام) نیز بواسطه‌ی رؤیا، امتحان می‌شوند و این‌که شیطان نمی‌تواند به صورت انبیاء و رسولان و اولیای الهی و حتی شیعیان‌شان در آید. بلکه پیشینیان صالح آن هنگام که رؤیا مشاهده نمی‌کردند، اندوهگین و متألم می‌شدند؛ زیرا رؤیا در نزد آنان، مقیاس و نشانه‌ی میزان نزدیکی و تقرّب به خداوند سبحان بوده همان‌طور که از ایشان (علیهم السلام) شنیده‌ایم؛ و ائمه (علیهم السلام) به کسانی که رؤیاهایشان فراوان می‌شد، تبریک و تهنیت می‌گفتند، که این امر در چند حدیث آمده است:

روی الصنفار ﷺ بسنده عن محمد الرافعي، قال: (كان لي ابن عم يقال له الحسن بن عبد الله، وكان من أعبد أهل زمانه، وكان يلقاه السلطان وربما استقبل السلطان بالكلام الصعب يعظه ويأمر المعروف، وكان السلطان يحتمل له ذلك لصلاحه، فلم يزل هذه حاله حتى كان يوماً دخل أبو الحسن موسى (عليه السلام) المسجد فرآه فأدنى إليه، ثم قال له: يا أبا علي، ما أنا أحب إليك ما أنت فيه و أسرتي بك إلا أنه ليست لك معرفة فاذهب فاطلب المعرفة. قال: جعلت فداك وما المعرفة؟ فقال له: اذهب وتفقه واطلب الحديث. قال: عمن؟ عن أنس بن مالك وعن فقهاء أهل المدينة ثم عرض الحديث علي. قال: فذهب وتكلم معهم ثم جاء فقرأ عليه فأسقطه كله ثم قال له: اذهب واطلب المعرفة. وكان الرجل معيناً بدينه فلم يزل مترصداً أبا الحسن (عليه السلام) حتى خرج إلى ضيعة له فتبعه ولحقه في الطريق، فقال له: جعلت فداك... فأقر به أي بولاية أمير المؤمنين - ثم لزم

۱۵. الكافي: ج ۸ ص ۹۰، من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۱۳۳، وسائل الشيعة (الإسلامية): ج ۲ ص ۸۲۸، بحار الانوار ج ۵۸، ص ۱۵۹.

السكوت فكان لا يراه أحد يتكلم بعد ذلك وكان من قبل ذلك يرى الرؤيا الحسنة ويرى له، ثم انقطعت عنه الرؤيا فرأى ليلة أبا عبد الله (عليه السلام) فيما يرى النائم فشكا إليه انقطاع الرؤيا. فقال: لا تغتم، فإن المؤمن إذا رسخ في الإيمان رفع عنه الرؤيا).^(۱۶)

(..... حسن بن عبد الله قبل از این که شیعه‌ی امام کاظم (علیه السلام) شود، رؤیاهای حسنه و خوب می‌دید و دیگران نیز برای وی خواب‌های خوبی می‌دیدند، ولی وقتی شیعه شد این رؤیاهای به کلی از وی قطع شد، شبانگاهی که به خواب رفته بود در عالم خواب حضرت صادق (علیه السلام) را در رؤیا دید و از پریدن خواب‌ها به وی شکایت کرد. حضرت به او گفتند: غمگین مباش! زیرا که مؤمن چون در ایمانش راسخ گردد، دیگر رؤیا نمی‌بیند).

رؤیایی که مقیاس درجه‌ی کمال بوده و انسان می‌تواند کمال خود را در آن ببیند، می‌تواند برداشته و رفع شود و دیگر انسان آن را نمی‌بیند. در صورتی که انسان در ایمان و علم، ثابت قدم و استوار گردد، همان‌طور که در حدیث شریف ذکر شده. و اما اگر هنوز در ایمان خود ثابت قدم نگشته، و رؤیا از او برداشته شود، این امر نشان از عقوبت و مهلتی‌ست برای چنگ زدن دوباره به خداوند. به همین سبب برخی از مؤمنین به خاطر اندک شدن رؤیاهای مشاهده‌اتشان، منزجر می‌شوند. و در این مورد، حدیث شریفی از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: (وَأَدْنَى مَا يَصْفَى بِهِ وَلَيْنَا أَنْ يَرِيَهُ اللَّهُ رُؤْيَا مَهْوَلَةً فَيَصْبِحُ حَزِينًا لِمَا رَأَى فَيَكُونُ ذَلِكَ كَفَارَةً لَهُ).^(۱۷)

(کم‌ترین آن دیدن خواب خطرناک است که به سبب آن محزون و غمگین می‌شود، پس یکی یا چندتای آن مصیبت‌ها، کفاره گناهانش می‌شود).

و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: (إِذَا كَانَ الْعَبْدُ عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَأَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا أَرَاهُ فِي مَنَامِهِ رُؤْيَا تَرَوَعَهُ فَيَنْزَجِرُ عَنْ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ، وَإِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوَّةِ).

(هر گاه بنده‌ای بر معصیت خدا قرار گرفته باشد و خداوند خواهان اصلاح و خیر او باشد، در خواب، به صورت رؤیا به او هشدار می‌دهد، پس از آن معصیت منزجر می‌گردد. و

۱۶. بصائر الدرجات - للصفار: ص ۲۷۴، الثاقب في المناقب - للطوسي: ص ۴۵۶، بحار الأنوار: ج ۵۸ ص ۱۸۹.

۱۷. الأصول الستة عشر - عدة المحدثين: ۵۷.

به راستی که رؤیای صادقه، جزئی از هفتاد جزء نبوت می‌باشد).^(۱۸)

و ان شاء الله تفصیل بیشتر این بحث ذکر خواهد شد.

و اهل بیت (علیهم السلام) هرگز بیان خود را در نفی حجیت رؤیا تا بدین لحظه به کار نبردند، بلکه بر حقیقت تأکید کردند، مبنی بر این که رؤیای شیعه‌ی علی (علیه السلام) حجت است و بلکه در آن معجزات و کراماتی وجود دارد. و حقیقتاً که اشخاص بسیار، رؤیاهایی از این قبیل، دیدند اما مردم نسبت به نشانه‌های پروردگارشان غافلند.

نیاز توضیح و تفصیل بسیاری در این باب نیست اما به نمونه‌ی اقرارهای همگان که در کتب روایت کرده‌اند، می‌پردازیم:

قال عمر بن أذينة: (دعاني أبان بن أبي عياش قبل موته بنحو شهر فقال لي: رأيت البارحة رؤيا، أني خليق أن أموت سريعاً. إني رأيتك الغداة ففرحت بك إني رأيت الليلة سليم بن قيس الهلالي. فقال لي: يا أبان، إنك ميت في أيامك هذه، فاتق الله في وديعتي ولا تضعها، وفي لي بما ضمنت من كتمانها. ولا تضعها إلا عند رجل من شيعة علي بن ابي طالب (عليه السلام) دین و حسب).^(۱۹)

(ابان بن ابی عیاش یک ماه قبل از مرگش مرا فرا خواند، و به من گفت: دیشب رؤیائی دیدم که من مخلوقی هستم که به زودی در خواهم گذشت. امروز تو را دیدم و خوشحال شدم که امشب سلیم بن قیس هلالی را دیدم. به من گفت: ای ابان، تو در همین روزها در خواهی گذشت، در ودیعه‌ی من تقوای الهی پیشه کن و آن را ضایع مکن، و به آنچه ضامن شدی که پنهان بداری وفاداری کن. و آن را به کسی به جز شیعه علی ابن ابی طالب (علیه السلام) که دین و اصل و مقید باشد مسپار).

و از جمله‌ی دعای معروف نزد شیعه‌ی امامی (دعای یمانی) است که از واضح‌ترین ادعیه می‌باشد و علت این دعا همان‌طور که صاحب دعاء، بیان می‌کند، این است که امیر المؤمنین (علیه السلام) بعد از این که پیش روی او قرار گرفته: (... ولي عدو مشح وقد أرهقني وغلبني بكثرة

۱۸. الإختصاص: ص ۲۴۱.

۱۹. کتاب سلیم بن قیس تحقیق محمد باقر الأنصاري: ص ۱۲۴.

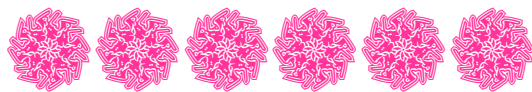
نفره، وقوة نصيره، وتكاثف جمعه، وقد أعيتني فيه الحيل. وإني كنت راقداً ذات ليلة حتى أتاني أت، فهتف بي أن قم يا رجل إلى خير خلق الله بعد نبيه، أمير المؤمنين صلوات الله عليهما وعلى آلهما، فاسأله أن يعلمك الدعاء الذي علمه حبيب الله وخيرته وصفوته من خلقه، محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم (عليه السلام)، ففيه اسم الله... فانتبهت يا أمير المؤمنين ولم أعرج على شيء حتى شخصت... (۲۰).

(... برای من دشمنی سرسخت بود که مرا به رنج انداخت و بر من با فراوانی یارانش و قوت یاورانش و زیادی جمعش غلبه کرد، و از رو به رو شدن با او توأم را از دست دادم. در شبی از شب‌ها که خفته بودم شخصی به خوابم آمد، و به من گفت: برای خیر خلق بعد از پیامبر، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) برخیز ای مرد، و از او دعائی را بخواه که حبيب خدا و بهترین برگزیدگان محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم (عليه السلام) آن را به او آموخت که در آن اسم الله..... یا امیر المؤمنین از خواب بیدار شدم در حالی که هرگز به چیزی دست نیافتم تا تشخیص دادم که.....).

از این حدیث آشکار می‌شود که هدایت به سوی این شخص از طرف انسانی آمده که او را نمی‌شناخته (شخصی به خوابم آمد) و او را به بهترین خلق بعد از محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) راهنمایی کرده و او را به سوی بهشت فرا خواند و نام دعاء را به او معرفی کرد. ای خواننده‌ی بزرگوار به این موضعی که آن مرد صاحب رؤیا در قبال رؤیای خود داشته، توجه کن: (... یا امیر المؤمنین از خواب بیدار شدم در حالی که هرگز به چیزی دست نیافتم تا تشخیص دادم که.....). و بدین ترتیب بطلان حجت کسی که بگوید رؤیای غیر انبیاء و معصومین (علیهم السلام)، حجت نیست، آن هم به سبب نفوذ و سوسه‌ی ابلیس در آن، و عدم تشبیه ابلیس (لع) - چه بسا لشکرش - به شکل شیعه‌ی امیر المؤمنین علی و ائمه و مهدیین از آل بیت نبوت (علیهم السلام) می‌باشد. و این چنین اشکال و شبهه عدم حجیت رؤیای غیر انبیاء و معصومین دفع می‌شود. از بدیهیات است که همه‌ی شیعه‌ی علی (علیه السلام)، انبیاء نیستند، بلکه حدیث به طور مطلق، شامل تمام شیعه‌ی علی (علیه السلام) بوده و بر عدم شباهت ابلیس به هیچ یک از آنان، دلالت

۲۰. بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۴۱، و منهج الدعوات - لابن طاووس: ص ۱۳۸، با تفاوت اندک در الفاظ از ابن

می‌کند، و تبیان اهل بیت (علیهم السلام) در خصوص مسئله‌ی این امر، پایان نمی‌پذیرد بلکه با بیان حقیقت حجیت رؤیا، از خلال راه‌های بسیار و از جمله‌ی این راه‌ها، مشخص کردن وقت رؤیای صادق، استمرار یافته است.



رؤیای صادق:

کلام اهل بیت (علیهم السلام) در خصوص تشخیص زمان رؤیای صادق، به عامه مطلق می‌گردد؛ یعنی شامل تمام کسانی که در این هنگامه رؤیا می‌بینند، می‌باشد و تنها مختص معصوم نیست. و از جمله‌ی این احادیث: حدیث روایت شده از امام جعفر بن محمد صادق (علیه السلام)، در حدیث طولانی حول مقتل امام حسین (علیه السلام) چنین آمده است: ... تا آنجا که امام (علیه السلام) فرمودند: (ثم سار حتى نزل العذیب، فقال فیها قائلة الظهر، ثم انتبه من نومه باکیاً، فقال له ابنه: ما یبکیک یا ایه؟ فقال: یا بنی اها ساعة لا تکذب الرؤیا فیها ...).^(۲۱)

(آن گاه امام حسین (علیه السلام) حرکت کرد تا در منزل (عذیب) فرود آمد، حضرت در آنجا نزدیک ظهر خوابیدند بعد در حالی که می‌گریستند بیدار شدند. فرزندش به ایشان عرض کرد: چه چیزی باعث گریان شدن شما شده است پدر؟ فرمودند: ای فرزندم! این ساعت، ساعتی است که خواب آن دروغ پنداشته نمی‌شود).

و ابی سعید خدری از رسول الله (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که فرمودند: (أصدق الرؤی بالأسحار)، (صادق‌ترین رؤیاها، رؤیای سحرگاه است).^(۲۲)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (أسرعها تأویلاً رؤیا القیلولة)، (رؤیائی که به سرعت تأویل

۲۱. الأملی: ص ۲۱۷، بحار الأنوار: ج ۴ ص ۳۱۴، مستدرک الوسائل - للمیرزا النوری: ج ۵ ص ۱۱۴، مستدرک

سفینة البحار: ج ۱ ص ۱۹۲، با تفاوتی اندک

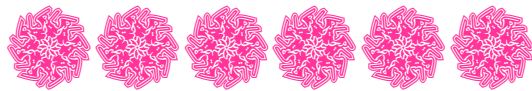
۲۲. بحار الأنوار: ج ۵ ص ۵۸، و سنن الدارمی: ج ۲ ص ۱۶۵.

می‌شود، رؤیای خواب قیلوله است).^(۲۳)

عن أبي بصير، قال: قلت لأبي عبد الله الصادق (عليه السلام): جعلت فداك، الرؤيا الصادقة والكاذبة مخرجهما من موضع واحد؟ قال: صدقت، أما الكاذبة مختلفة فإن الرجل يراها في أول ليلة في سلطان المردة الفسقة وإنما هي شيء يخيل إلى الرجل وهي كاذبة مخالفة لا خير فيها. وأما الصادقة إذا رآها بعد الثلثين من الليل مع حلول الملائكة وذلك قبل السحر فهي صادقة، لا تخلف إن شاء الله إلا أن يكون جنباً أو ينام على غير طهور ولم يذكر الله حقيقة ذكره فانها تختلف وتبطل على صاحبها).^(۲۴)

ابو بصير گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: (مولای من فدایتان شوم، رؤیای صادق و کاذب از یک موضع خارج می‌گردند؟ فرمودند: درست گفته‌ای، اما کاذب فرق دارد. کاذب رؤیائی است که شخص در ابتدای شب در زمان ترس و هراس از سلطان فاسق می‌بیند و آن خیالی است که در ذهن شخص شکل می‌گیرد و آن رؤیای کاذب مخالف است که در آن خیری نیست. اما رؤیای صادق بعد از دو سوم شب و قبل از سحر است که ملائکه نیز حاضر می‌شوند، این رؤیای صادق است و ان شاء الله تخلف‌پذیر نیست مگر این که خواب بیننده جنب باشد و یا بدون وضو خوابیده و نام خدای متعال را بر زبان جاری نکرده باشد).

در کلام حول این حدیث، شتاب‌زده عمل مکن بلکه بقیه‌ی کلام در موضع آخر، ان شاء الله ذکر می‌شود و دیگر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) در این شأن و منزلت که بسیار هستند.



پند و نصیحت آل محمد (علیهم السلام) در بازگرددن رؤیا:

و همچنین از جمله‌ی راه و روش‌هایی که از خلال آن حجیت رؤیای غیر معصوم توسط آل محمد (علیهم السلام) ثابت شده است، وصایا و سفارش‌های ایشان (علیهم السلام) به شیعیان‌شان می‌باشند که رؤیای

۲۳. بحار الأنوار: ج ۵۸، ص ۱۹۵.

۲۴. الکافی - لئقة الاسلام الشيخ الكليني: ج ۸، ص ۹۰.

خود را برای شخص حسود و جاهل و نادان، بازگو نکنند.

عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: (قال رسول الله ﷺ: الرؤيا لا تقص إلا على مؤمن خلا من الحسد و البغي). (۲۵)

ابی بصیر از ابی عبد الله (علیه السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: (رؤیای مؤمن به جز برای مؤمنی که از حسد و زنا به دور باشد مطرح نمی‌شود).

و عنه (عليه السلام)، قال: (لا تقص الرؤيا إلا على عالم أو ناصح). (۲۶)

و نیز رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: (رؤیا را جز برای شخص دانا و ناصح، بازگو مکن).

پس اگر رؤیا حجت نبود و بدان بی‌اعتنایی می‌شد، چرا اهل بیت (علیهم السلام) شیعیان خویش را به این آموزه‌ها، سفارش می‌کردند؟! و هر کس بگوید که رؤیا حجت نیست به راستی که آل محمد (علیهم السلام) را به بیهودگی متهم کرده - و بلا نسبت ایشان (علیهم السلام) - چراکه این احادیث هیچ سودی در ورای عدم حجیت رؤیا در نظرش، ندارند.

و رسول الله (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) در به کارگیری این راه و روش‌های بسیار با اصحاب خویش، هم‌مسیر گردیدند و بدین ترتیب رؤیا را از تمام نواحی ثابت کردند، و از جمله‌ی آنها، سؤال دائمی‌ست که همواره در مورد رؤیا و صاحب آن پرسیده می‌شد و در این باره، روایات بسیاری موجود است، از جمله:

عن سمرة بن جندب، قال: كان رسول الله ﷺ، مما يكثر أن يقول لأصحابه: (هل رأى أحد منكم رؤيا؟). (۲۷)

سمره بن جندب گوید: رسول الله (صلی الله علیه و آله) بیشترین چیزی که در گفتن آن به اصحاب خویش مبالغه می‌کردند، این بوده که می‌فرمودند: (آیا کسی از شما رؤیائی دیده؟).

آن‌چه که از ام‌ایمن و اهتمام رسول الله (صلی الله علیه و آله) به تعبیر آن روایت شده، بلکه بدو بشارت داد: بعد از این‌که رؤیایش را برای رسول الله (صلی الله علیه و آله) بازگو کرد و عرض کرد: در این شب،

۲۵. الكافي: ج ۸ ص ۳۳۶.

۲۶. میزان الحکمة: ج ۲ ص ۱۰۱۲، و از کتب عامه سنن الترمذی: ج ۳ ص ۳۶۷.

۲۷. مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۳۳۴.

خواب دیدم که اعضای بدن شما در خانه‌ام افتاده. رسول الله ﷺ بدو فرمود: (ای ام ایمن چشمت را با خیالی آسوده ببند، فاطمه، حسین را به دنیا می‌آورد و تو او را پرورش می‌دهی و این چنین پاره تن من و اعضای من در خانه‌ات می‌باشند).^(۲۸)

سپس راه و روش اهل بیت (علیهم السلام)، برای ما از خلال ادعیه‌ی روایت شده از ایشان (علیهم السلام)، خط مشی واضحی را رسم می‌کند، مبنی بر این که رؤیا حجتی از طرف خداوند برای اولیای خود آن‌هم بعد از درخواست و طلبش، می‌باشد.

بلکه جبرئیل (علیه السلام) در معراج، دعای قدح را به رسول الله ﷺ عطاء می‌کند و رسول الله ﷺ آن را به اُمت خویش می‌آموزد که در آن چنین آمده است: (أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا عَزِيزَ يَا عَزِيزَ يَا عَزِيزَ، أَنْ تَرِيَنِي فِي مَنَامِي مَا رَجَوْتُ مِنْكَ، وَأَنْ تَكْرَمَنِي بِمَغْفِرَةِ خَطِيئَتِي إِنَّكَ عَلِي تَشَاءُ قَدِيرَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ).^(۲۹)

(یا الله یا الله یا الله یا عزیز یا عزیز یا عزیز از تو مسئلت دارم، که در خوابم آنچه خواستم نشاتم دهی، و مرا با مغفرت گناهم مورد عفو قرار دهی که تو بر هر چیزی توانا و مهربان‌ترین مهربانانی، و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم).

و حدیث برای طالب حق، در مورد رؤیا سخن می‌گوید و هم چنین بسیاری از ادعیه‌ی دیگر که حاوی این مضامین و کلمات می‌باشند.

و حقیقت این است که خداوند رؤیا را حجتی برای اقرار کننده به آن و انکار کننده‌ی حق قرار داده است و می‌فرماید: ﴿كَلَّا نُنمِدُّ هُوَلاءَ وَهَؤُلاءَ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾، (هر دو [دسته] اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است).^(۳۰)

و رؤیاهای صادقه‌ی بسیاری برای این مُنکران، وارد شده با این که شخصیت معصوم در آن‌ها نبوده بلکه حامل مجموعه‌ای از رویدادها بوده است. از جمله‌ی این رؤیاهای فرعون مصر است که در این زندگی مادی واقع گردید. و رؤیای دو جوان زندانی که یکی از آنان

۲۸. الأمايلي-للشيخ الصدوق: ص ۱۴۲.

۲۹. بحار الانوار: ج ۹۲ ص ۳۷۵، منهج الدعوات- لابن طاووس: ص ۱۱۹.

۳۰. الأَسْرَاء: ۲۰.

رؤیایش را بر یوسف نبی (علیه السلام) بازگو کرد و یوسف نبی (علیه السلام) آن را تأویل کرده و به طور کامل در عالم جسمانی به وقوع پیوست.

و هم چنین رؤیای فرعون مبنی بر نابودی حکومتش به دست مردی از بنی اسرائیل، پس کشت آن چه که کشت تا مانع وقوع این تعبیر در عالم جسمانی گردد، اما افسوس و صد افسوس ﴿وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾، (نیرنگ می‌زدند و خدا تدبیر می‌کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است).^(۳۱)

این موضع رؤیا نسبت به مُنکرانش است و اما نسبت به کسی که حق را نمی‌شناسد و رؤیایش در عالم ملکوت خالی از تعقید و تکلف بسیار زیاد است.

از جمله: (رؤیای سعید بن عاص اموی) و رؤیای بسیاری از ایمان آورندگان به ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) و کسانی که خواهان نور هستند، اما کسانی که با ظلمت و تاریکی‌ها مأنوس گشته‌اند، هیچ حجتی در این کلام و این آیات نمی‌بینند.

و از جمله‌ی آموزه‌های آل محمد (علیهم السلام) می‌توان به امور دیگری در خصوص در امان ماندن از گزند رؤیایی که مؤمن می‌بیند، اشاره کرد. من جمله: مؤمن بر پهلوی راست و سپس بر پهلوی چپ بخوابد و از شر خواب‌های آشفته به خدا پناه ببرد و اگر رؤیایی هراسناک دید، آب دهان خود را بر جانب چپ بیاندازد. و احادیثی از این قبیل:

ورد في الرسالة الذهبية للإمام الرضا (عليه السلام): (فإذا أردت النوم، فليكن اضطجاعك أولاً على الشق الأيمن، ثم انقلب على الأيسر، وكذلك فقم من مضجعك على شقك الأيمن كما بدأت به عند نومك).^(۳۲)

(اگر خواستی بخوابی، اول بر پهلوی راست بخواب، سپس به پهلوی چپ برگرد، و نیز از جای خود برخیز در حالی که بر روی پهلوی راست [مثل اول] خوابیده بودی).

اگر رؤیا حجت و دلیل مهمی نبود، اهل بیت (علیهم السلام) هرگز چنین نصیحت‌هائی را به شیعیانشان سفارش نمی‌کردند، چون در این صورت، این عملشان بیهوده محسوب می‌شد و اهل بیت (علیهم السلام) از هرگونه کلام بی‌معنا، مبراء هستند.

۳۱. الأنفال: ۳۰.

۳۲. مستدرک الوسائل: ج ۵ ص ۱۱۴.

ورد عن رسول الله ﷺ أنه قال: (الرؤيا الصالحة من الله، فإذا رأى أحدكم ما يجب، فلا يحدث بها إلا من يجب، وإذا رأى رؤيا مكروهة، فليتنفل عن يساره (ثلاثاً) وليتعوذ من شر الشيطان وشرها ولا يحدث بها أحداً فانها لن تضره).^(۳۳)

از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمودند: (خواب نیکو از طرف خداوند است پس هر کس آن را ببیند به جز نزد آن کس که دوستش دارد، آن را بازگو نکند و اگر کسی خواب ناخوشایند و نامطلوبی ببیند از شر آن و شر شیطان به خداوند پناه ببرد و سه بار آب دهان خود را به جانب چپ بیاندازد و آن را نزد کسی بازگو ننماید که در این صورت از آن دچار زیان نمی‌گردد).

و همچنین حدیث روایت شده از رسول الله ﷺ که جبرئیل ایشان را مورد خطاب قرار می‌دهد: (... ثم قال جبرئيل: قل يا رسول الله إذا رأيت في منامك شيئاً تكرهه أو رأى أحد من المؤمنين فليقل: "أعوذ بما عادت به ملائكة الله المقربون وأنبياءه المرسلون وعباده الصالحون من شر ما رأيت من رؤياي" وتقرأ الحمد لله والمعوذتين وقل هو الله أحد وتنفل عن يسارك ثلاث تفلات فإنه لا يضره ما رأى، فانزل الله على رسوله ﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ﴾^(۳۴)).

(... سپس جبرئیل فرمود: ای رسول الله اگر در خوابت چیز ناخوشایندی دیدی یا یکی از مؤمنین، چنین ببیند، پس بگو پناه می‌برم از آنچه که ملائکه‌ی مقرب الهی و انبیاء و رسولان و بندگان صالحش از آن، بدو پناه می‌برند، پناه می‌برم به خداوند از شر آنچه که در رؤیای خود دیدم و الحمد لله و معوذین و قل هو الله أحد را می‌خوانی و سه بار بر جانب چپ، آب دهان خود را می‌اندازی. پس آنچه که دیده شد، ضرری نمی‌زند. خداوند بر رسولش نازل کرد: (چنان نجوایی صرفاً از [القاءات] شیطان است).^(۳۵)

و از سفارشات ائمه (علیهم السلام) به شیعیان‌شان این بوده که از بازگو کردن رؤیای خود برای کسانی که به تفسیر اشتباه و بد، تأویل می‌کنند، بپرهیزند. علاوه بر حدیث قبلی رسول الله ﷺ (لا تحدث بها حاسداً)، (آن را با حسود، مطرح نکن) و (لا تحدث بها إلا عالماً)، (آن را

۳۳. مستدرک الوسائل: ج ۵، ص ۱۱۲.

۳۴. المجادلة: ۱۰.

۳۵. الكافي: ج ۸ ص ۱۴۲.

جز برای عالم بازگو مکن)، از حسن بن جهم روایت شده، که گوید: از ابا الحسن (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: (الرؤیا علی ما تعبر، فقلت له: إن بعض اصحابنا روی أن رؤیا الملک کانت أضغاث أحلام. فقال أبو الحسن (علیه السلام): إن امرأة رأت علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) جذع بیتهای انکسر فأتت رسول الله (صلی الله علیه و آله) فقصت علیه الرؤیا. فقال لها النبی (صلی الله علیه و آله): یقدم زوجک ویأتي و هو صالح - و قد کان زوجها غائباً - فقدم كما قال النبی (صلی الله علیه و آله)، ثم غاب عنها زوجها غيبة أخرى، فرأت فی المنام كأن جذع بیتهای قد انکسر، فأتت النبی (صلی الله علیه و آله) فقصت علیه الرؤیا فقال لها: یقدم زوجک ویأتي صالحاً، فقدم علی ما قال، ثم غاب زوجها ثالثة فرأت فی منامها أن جذع بیتهای قد انکسر، فلقیت رجلاً أعسر فقصت علیه الرؤیا، فقال لها الرجل السوء: یموت زوجک، فبلغ النبی (صلی الله علیه و آله) فقال: ألا کان عبر لها خیراً؟!).

(رؤیا به مُعْبِرَانِ آن بستگی دارد. عرض کردم: برخی از اصحاب ما روایت کردند که رؤیای حاکم مصر، خواب آشفته بود. حضرت فرمودند: در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنی که شوهرش در مسافرت بود در خواب دید تیر سقف منزلش شکسته، پیش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد و از تعبیر آن جويا شد. حضرت فرمودند شوهرت از مسافرت باز می‌گردد و هم این‌طور هم شد، مرتبه دوم که مجدداً شوهرش به مسافرت رفته بود همین خواب را دید، باز پیش رسول خدا آمد و آن حضرت همان تعبیر را برای او بیان فرمود و همان هم شد. باز برای مرتبه سوم شوهرش به سفر رفته بود و آن زن همان خواب را دید، به قصد رفتن نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از منزل خارج شد و در بین راه به مرد نا لایقی برخورد کرد، خواب خود را برای او نقل کرد، آن مرد بد طینت خواب وی را این گونه تعبیر کرد که: شوهرت از دنیا می‌رود و خبر مرگ او را برای تو می‌آورند زن ناراحت شده داستان را نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برد، حضرت فرمود: چرا آن مرد رؤیای زن را به خیر و خوبی تعبیر نکرد؟! (۳۶).

و این امر تا بدین جا به پایان نمی‌رسد بلکه امر حجیت رؤیا به سبب عدم ورود هیچ دلیل شرعی (از کتاب خدا و حدیث اهل بیت (علیهم السلام)) بیش از پیش روشن می‌گردد و عدم وجود دلیل در نفی حجیت رؤیا، به معنای وحدت روایاتی است که حجیتش را ثابت می‌کنند. پس انسان در خصوص این امر، هیچ اختیاری از خود ندارد بلکه از او پذیرفته نمی‌شود جز

اطلاعش. و اگر انسان اندکی تفکر کند به سادگی به حقیقت امر متصل می‌شد و بوسیله‌ی آن، قدمش در راه رسیدن به امام مهدی (علیه السلام) استوار می‌گردد و نفس خود را از ریسمان هر قید و بندی جز آن‌چه که خداوند از اطاعت اولیائش و فرامین آنان مشروع داشته، آزاد می‌کند. نکته‌ی اول و بسیاری از شبهات به صورت واضح تا این‌جا، ان شاء الله برای ما روشن گردید.



نکته‌ی دوم:

شناخت قبلی معصوم

از جمله دلایلی که منکران حجیت رؤیا مطرح می‌کنند، به طور مطلق می‌گویند که حجت تنها منحصر به رؤیای معصوم (علیه السلام) می‌باشد. اگر انسان، امام معصومی را بشناسد و در این زندگی دنیوی و حیات مادی او را دیده باشد و صفات جسدی‌اش را می‌شناسد، در این صورت است که اگر او را در خواب ببیند، تشخیص دهد که خود اوست یا شخصی غیر معصوم می‌باشد. و گفتند، حدیث رسول الله (صلی الله علیه و آله) : (من رآني فقد رآني؛ لأن الشيطان لا يتمثل بي) حدیث صحیحی است و هیچ شکی در آن نیست. پس شیطان نمی‌تواند به شکل رسول الله (صلی الله علیه و آله) یا اوصیای ایشان در آید. اما سؤالی که نزد آنان باقی می‌ماند، این است: چه کسی گفته این شخصی که دیده، شخص رسول الله (صلی الله علیه و آله) است؟ حدیث می‌فرماید: (من رآني) (هر کس مرا ببیند) اگر تو شکل و شمایل رسول الله (صلی الله علیه و آله) را هرگز ندیده‌ای، نمی‌توانی تشخیص بدهی شخصی که به سوی تو آمده، رسول الله (صلی الله علیه و آله) است یا وحی از شیطان نعوذ بالله، در نتیجه به سبب امکان ورود وسوسه‌ای از شیطان به رؤیا نمی‌توان رؤیا را حجت دانست.

در حقیقت این اشکال از ضعیف‌ترین اشکالاتی است که در این مجال، مطرح شده و پاسخ به آن، از چند جهت حائز اهمیت است. اما قبل از پاسخگویی شایسته است که انسان منصف از خود بپرسد، چرا این قوم با وجود روایات و احادیثی در خصوص صدق و حقایق رؤیای معصوم و عدم تخلف آن از واقعیت، که آنان را احاطه کرده، به این اشکالات واهی، تمسک

جسته‌اند؟! چرا به چنین اشکالات سطحی پناه می‌برند؟! به هر حال پاسخ به این سؤال را به خواننده‌ی گرامی واگذار می‌کنیم و به پاسخگویی اشکال و معالجه‌ی آن می‌پردازیم:

کرامتی که رسول الله ﷺ و اهل بیت ایشان (علیهم السلام) بدان نایل آمدند، هرگز از شکل و منظر ظاهری و خارجی و جسمانی حاصل نگشته، بلکه آن کرامتی از برای ارواح مقدس و شریف ایشان است و هیچ دخالتی با شکل مادی ندارد و چگونه داشته باشد در حالی که خداوند سبحان هرگز به عالم اجسام نظر نداشته و رسول الله ﷺ می‌فرماید: (إن الله لم یخلق خلقاً أبغض إليه من الدنيا، وإنه لم ینظر إليها منذ خلقها)، (همانا خداوند هرگز خلقتی منفورتر از دنیا در نزد خود نیافریده، و از زمان خلقتش هرگز بدان نظر نداشته است).^(۳۷)

و این حدیث شریف در گوش همه مادی‌گرایان فریاد می‌کشد: (یا أباذر، إن الله تبارک وتعالی لا ینظر علی صورکم ولا إلی أموالکم ولكن ینظر إلی قلوبکم وأعمالکم)، (ای ابوذر همانا خداوند تبارک و تعالی به شکل و صورت شما و اموال شما نظر نمی‌کند بلکه به قلب‌ها و اعمال شما نظر می‌کند).^(۳۸)

پس بزرگی، برای جسدی که فنا می‌شود، نیست، بلکه تنها خاص روح است و کسی که با چنین اشکالی احتجاج می‌کند، از کرامت و برتری جسم زایل بر روح، و تقدیس جسد، سخن گفته؛ چرا که از جانب شیطان هتک نمی‌کند بلکه آنچه مورد هتک قرار می‌گیرد نام‌گذاری و روح است و استغفر الله.

پس ورود به عالم ملکوت (رؤیا)، بوسیله‌ی ارواح مُیسَر می‌گردد، نه بوسیله‌ی اجساد. همان‌طور که بعضی‌ها چنین گمانی دارند. عالم ملکوت به سبب عدم وجود ماده در آن، با این عالم جسمانی متفاوت است و تفصیل کلام در این بحث، در کتاب اسرار امام مهدی (علیه السلام) (متشابهات) و (گزیده‌ای از تفسیر سوره‌ی فاتحه) موجود است.

این اشکال مخالف آل محمد (علیهم السلام) و آموزه‌های ایشان می‌باشد؛ زیرا نص صریح اهل بیت بر این دلالت می‌کند که ایشان (علیهم السلام) با اشکال مختلف به رؤیای بیننده‌ی خواب وارد می‌شوند، پس آنان (علیهم السلام) با هر صورت و چهره‌ای ظاهر می‌گردند، همان‌طور که از رسول الله ﷺ روایت

۳۷. جامع السعادات: ج ۲ ص ۱۹.

۳۸. الأمالی - للشیخ الطوسی: ص ۵۳۶.

شده که فرمودند: (من رأی فی المنام فقد رأی، فیانی أری فی کل صورة)، (هر کس مرا در خواب ببیند، به راستی که مرا دیده است. پس من به هر صورتی دیده می‌شوم).^(۳۹) و این اشکال نادرستی است به سبب یک دلیل ساده و آن صدق رؤیای کافر و انطباق آن بر زمین واقع می‌باشد، همچون رؤیای فرعون مصر و حقانیت رؤیای حق طلبان ولو تابع آن نباشد، همچون رؤیای هدایت یافتگان به ولایت ائمه (علیهم السلام) قبل از ورودشان به ولایت الهی و رؤیاهای رهروان حق، همچون انصار ائمه (علیهم السلام) و میلیون‌ها رؤیای دیگر که تابعان مذهب امامی، دیده‌اند.

اگر رؤیای انسان غیر معصوم، صحیح و قابل انطباق بر زمین واقع است، در این صورت رؤیای معصوم، در انطباق به آن سزاوارتر می‌باشد و پنهان نیست. و چه بسا از میان هدایت‌شدگان اشخاصی به شدت سرسخت و متعصب بودند اما به سبب رؤیایی که از اهل بیت (علیهم السلام) می‌بینند، دست از تعصب خویش برمی‌دارند. همان‌گونه که بزرگ تهرانی در موسوعه‌ی ذریعه‌ی خود ذکر کرده است: (گوید: و از سخنان و گفته‌های علمای شیعه شنیدم و از آنان در مورد لاهور مولی محمد معصوم و مولی محمد مؤمن و مولی ابراهیم متعصب در تشیع دریافتم که در وجه تعصب خود، ائمه را در خواب می‌بیند که او را به تسلیم در برابر اسلام و پیروی از ائمه‌ی دوازده‌گانه از اهل بیت (علیهم السلام) امر می‌کنند...)^(۴۰) این اشکال از طرفی دیگر، ساقط و بی‌ارزش می‌گردد و آن مخالفت آل محمد (علیهم السلام) می‌باشد؛ زیرا امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید هر کس می‌خواهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) را در خواب ببیند، چنین و چنان کند، با توجه به این که کسی در زمان امام صادق (علیه السلام) پیدا نمی‌شد که رسول الله (صلی الله علیه و آله) را دیده و ظاهر ایشان را دیده باشد، اما با این وجود امام (علیه السلام) مردم را به ملاقات رسول الله (صلی الله علیه و آله) در عالم رؤیا، سوق می‌دهد.

عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه قال: (من أراد أن يرى سيدنا رسول الله في منامه فليصل العشاء الآخرة، وليغتسل غسلًا نظيفاً، وليصل أربع ركعات بأربع مرة آية الكرسي، وليصل على محمد و

۳۹. بحار الأنوار: ج ۸۵، ص ۲۳۵.

۴۰. الذريعة: ج ۸، ص ۴۹.

آل محمد (علیهم السلام) ألف مرة وليت على ثوب نظيف لم يجامع عليه حلالاً ولا حراماً، وليضع يده اليمنى تحت خده الأيمن، وليسبح مائة مرة سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر ولا حول ولا قوة إلا بالله، وليقل مائة مرة: ما شاء الله فإنه يرى النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) في منامه).^(۴۱)

از امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (هر کسی خواست سرورمان رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) را در خواب خود ببیند، نماز عشاء بخواند، و غسلی پاک انجام دهد، و چهار رکعت با چهار مرتبه آیت الکرسی بخواند، و هزار بار بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) درود فرستد، و با جامه‌ای که با آن نه با حلال و نه حرامی آمیزش کرده باشد شب را سپری کند، و دست راست خود را زیر گونه سمت راست خود بگذارد، و صد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله تسبیح گوید، و صد مرتبه بگوید: ما شاء الله، پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) را در خواب خواهد دید).

و عن الصادق (علیه السلام) أنه قال: (إن من أدمن قراءة سورة المزمل، رأى النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) وسأله ما يريد وأعطاه الله كل ما يريد من الخير).

و از امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (هر کس بر قرائت سوره المزمل، مداومت کند، رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) را می‌بیند و از ایشان درخواست نماید و خداوند هر آنچه از خیر بخواهد را بدو عطا می‌کند).^(۴۲)

و عنه (علیه السلام): (من قرأ سورة القدر بعد صلاة الزوال وقبل الظهر إحدى وعشرين مرة، لم يمت حتى يرى النبي (صلى الله عليه وآله وسلم)).

و از ایشان نیز فرمودند: (هر کس بعد از نماز صبح و قبل از نماز ظهر، بیست و یک مرتبه سوره‌ی قدر را بخواند، هرگز نمی‌میرد تا این که رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) را ببیند).^(۴۳)

این اشکال به سبب سوق یافتن اتباع مذهب امامی بر این طریقه، بی‌ارزش می‌گردد. پس فقهای شیعه چنین سوق یافتند که رؤیای ائمه (علیهم السلام) حق است و شیطان به شکل آنان در نمی‌آید و خواننده‌ی عزیز می‌تواند به مطالعه‌ی کتبی از جمله «جواهر الکلام» مراجعه کند.

۴۱. بحار الأنوار: ج ۷۳، ص ۲۱۴.

۴۲. بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۳۳۰.

۴۳. بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۳۳۱.

شیخ الجواهری فی الأغسال گوید: (آنچه در استحباب غسل برای دیدن یکی از ایشان در خواب، روایت شده. همچون خبر ابی معزی از موسی بن جعفر (علیه السلام) روایت شده از کتاب اختصاص مفید، گوید: (هر کس حاجتی نزد خداوند سبحان داشته باشد و بخواهد ما را ببیند، و موضعش را بشناسد. سه شب غسل کند، و ما را در خلوت خود نجوا کند، ما را می بیند و به سبب ما آمرزیده می گردد ...).^(۴۴)

و نیز شیخ انصاری در کتاب طهارت (ط.ق) نقل می کند: (و از جمله آن، غسلی است جهت دیدن یکی از ائمه در خواب. مفید در کتاب اختصاص به نقل از ابی معزی از موسی بن جعفر (علیه السلام) گوید که فرمودند: (هر کس حاجتی نزد خداوند سبحان داشته باشد و بخواهد ما را ببیند، و موضعش را بشناسد، سه شب غسل کند، و ما را در خلوت خود نجوا کند، پس ما را می بیند و به سبب ما آمرزیده می گردد ...).^(۴۵)

کژ فهمی از دو جهت صورت گرفته: یکی از جهت مطالعه ناقص یعنی، عدم دریافت فهم صحیح یا از جهت خواندن اشتباه یعنی؛ مغلطه کاری.

و امکان رفع هر دو اشکال، از جانب رجوع دوباره به حدیث شریف، مُیسر می گردد، تا صدق یا خلاف واقع در کلام، را بازشناسی کنیم. حدیث رسول الله (صلی الله علیه و آله) می فرماید: (من رأی فی منامه فقد رأی؛ لأن الشیطان لا یتمثل فی صورتی ولا فی صورة أحد من أوصیائی ولا فی صورة أحد من شیعتهم، وإن الرؤیا الصادقة جزء من سبعین جزءاً من النبوة)، (هر کس مرا در خواب ببیند، به درستی که مرا دیده؛ زیرا شیطان نه به صورت من و نه به صورت اوصیای من و نه به صورت هیچ یک از شیعیانم در نمی آید و همانا رؤیای صادق، جزئی از هفتاد جزء نبوت می باشد).^(۴۶)

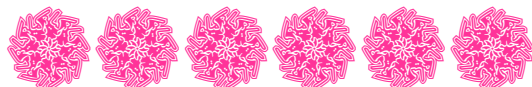
رسول الله (صلی الله علیه و آله) بین رؤیای خویش و بین رؤیای همگی اوصیاء مشخص می کند. پس حدیث با عمومی بودن لفظ، شامل شان شده و شیعه ای ایشان نیز همراهشان جمع گشته و تصور اجتماع آنان (علیهم السلام) در یک زمان واحد، تا بتوانیم از خلال آن، صورت های جسمی ایشان را

۴۴. جواهر الکلام: ج ۵، ص ۴۶.

۴۵. کتاب الطهارة- للشیخ الأنصاری (ط.ق): ج ۲ ص ۳۳۳.

۴۶. من لایحضره الفقیه- للصدوق: ج ۲، ۵۸۵.

مشاهده کنیم تا حدیث طبق خواسته‌ی صاحب اشکال قابل انطباق گردد، امکان‌پذیر نیست. همان‌گونه که امکان ندارد حدیث را نصف کنیم تا قسمت اولش غیر قسمت دوم و سپس سوم، منطبق گردد، بلکه حدیث تصریح می‌کند که همه‌ی زمان‌ها را شامل می‌شود و کسی که نمی‌خواهد این فرموده‌ی صریح را بفهمد، تنها مغالطه‌گری خود را کرده و بس. و شخص آزاده را یک اشاره کافی است.



نکته‌ی سوم:

انطباق رؤیا و عدم انطباق آن بر عالم جسمانی

سؤال در خصوص (عدم صدق رؤیا در برخی مواضع) باقی می‌ماند، پس اگر رؤیا وحی و الهامی از سوی خداوند باشد، باید بر روی زمین مادی واقع گردد و حقیقت این است که پاسخ این اشکال، دارای چند وجه است. اما قبل از هر چیز باید بدانیم که بین (عدم صدق رؤیا) و (عدم انطباق رؤیا) فرق و تفاوت وجود دارد و چیزی که اکنون در مورد آن سخن می‌گوییم، عدم انطباق است و الا در رؤیای معصوم امکان کذب وجود ندارد. و ما بقی را برای خواننده رها می‌کنیم.

و تفسیر به عدم انطباق رؤیا از چند جهت ممکن است:

همانا رؤیا وحی از سوی خداوند می‌باشد که فرشته‌ی موکل حامل آن است یا آن فرشته، رؤیا را برای ما نقل می‌کند و در بیشتر حالات، از نظر زمانی، زمان معین و مشخصی ندارد. ممکن است رؤیا بعد از یک یا دو روز، به وقوع بپیوندد جائی که رؤیا، ملکه‌ی ذهن بیننده‌ی آن شده باشد و انسان بین رؤیا و بین وقوع آن در عالم ماده، پیوند ایجاد کند تا اخبار غیبی که رؤیا کشف کرده را دریافت کند. همان‌گونه که ممکن است رؤیا، با تأخیر زمانی حدود چهل سال نیز همراه باشد... اغلب مردم در ایجاد پیوند بین رؤیا و انطباق آن در عالم مادی، تمکین ندارند. رؤیا دارای راز و رمزهایی است که تنها آل محمد (علیهم السلام) بدان‌ها آگاهند و آن وحی الهی است و در بیشتر احوال، رمزها و اشاره‌ها، دلایل آن هستند و بر این اساس، ضرورتی

ندارد که حتماً بر زمین مادی واقع گردد؛ زیرا همان‌طور که گفته می‌شود، چند سو و مبهم است، احتمالاً رؤیایی دیده باشید که به شما چنین و چنان گفته ولی مقصود از آن، اقتران و مقایسه‌ی این اشیاء با چیز دیگری است. و شواهد از حدیث اهل بیت علیهم السلام بر این امر بسیارند و از جمله‌ی تفسیرشان از (عصا) یا (کودک) یا (خاتم) و دیگر اشیائی که اهل بیت علیهم السلام در بعضی مواقع، کلید رمزهای آن را در اختیارمان قرار داده‌اند.

و از امام کاظم علیه السلام در خصوص اعطای برخی از نمادهای رؤیا در هنگام گفتگو با یکی از یاران خویش، روایت شده که فرمودند: (... رأیت مع رسول الله صلی الله علیه و آله خاتماً و سيفاً و عصا و کتاباً و عمامة، فقلت: ما هذا یا رسول الله؟ فقال لي: أما العمامة فسلطان الله وأما السيف فعر الله تبارک و تعالی، وأما الكتاب فنور الله تبارک و تعالی، وأما العصا فقوة الله، وأما الخاتم فجامع هذه الأمور...). (۴۷)

از یزید بن سلیط زیدی در حدیثی طولانی تا جائی که گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم: (... در خواب رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما السلام را دیدم که به همراه او، یک انگشتر، یک شمشیر، یک عصا، یک کتاب و یک عمامه بود. سؤال کردم: اینها چیست؟ فرمودند: عمامه نشانه سلطنت و قدرت خداوند متعال است، شمشیر علامت عزت و غلبه الهی است، کتاب نشانه نور خداوند عزّ و جلّ است. عصا، علامت قوت و نیروی خداوند- عزّ و جلّ- و بالأخره انگشتر در برگیرنده همه این امور است...).

و انسان تأویل رؤیای خویش را نمی‌داند؛ زیرا رازی از رازها بوده و این به معنای عدم انطباقش بر زمین مادی نیست. رؤیا، حامل و در بر دارنده‌ی اسرار الهی بسیاری می‌باشد که زمان کشف و آشکاری علنی آنها، هنوز فرا نرسیده است و به خصوص ارتباط رؤیا با ظهور مقدس امام ما علیه السلام، چرا که اگر حقیقت رؤیا کشف می‌شد و در تمام مجالها واضح و آشکار می‌گشت، قطعاً حرکت آل محمد علیهم السلام آشکار می‌گشت، و معرفت و شناخت مسیر حرکت ایشان در آینده، امری ساده می‌شد و امکان توجیه رؤیا برای صاحبش امری بود که تنها به ضرر و زیان بزرگ آل محمد علیهم السلام تمام می‌گشت، (خداوند ایشان را از سوء محفوظ بدارد).

پس آل محمد علیهم السلام در دادن تفسیر برخی از رمز و نمادهای رؤیا و تأویل آن، امتناع

می‌ورزیدند و مصداق این کلام، حدیث روایت شده از امام رضا (علیه السلام) می‌باشد:
فقد ورد عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، قال: (سألت أبا الحسن (علیه السلام) علي بن موسى الرضا (علیه السلام) عن الرؤيا، فأمسك عني ثم قال: لو إنا أعطيناكم ما تريدون كان شراً لكم و أخذ برقبة صاحب هذا الأمر).

از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت شده که گوید: (از امام رضا (علیه السلام) مسأله‌ای پرسیدم، حضرت از پاسخ خودداری ورزید و جواب نفرمود. سپس فرمود: اگر هر چه را می‌خواهید، به شما بگوئیم و عطاء کنیم، موجب شرّ برای شما می‌شود و گردن صاحب الأمر را می‌گیرند). (۴۸)

همان‌گونه که در حدیث دیگری از امام ابی جعفر الباقر (علیه السلام) آمده که فرمودند: (ولاية الله أسرها إلى جبرئيل (علیه السلام)، وأسرها جبرئيل (علیه السلام) إلى محمد (صلى الله عليه وآله)، وأسرها محمد (صلى الله عليه وآله) إلى علي (علیه السلام)، وأسرها علي (علیه السلام) إلى من شاء، ثم أنتم تذيعون ذلك من الذي أمسك حرفاً سمع به). (خداوند سبحان امر ولایت را به عنوان رازی به جبرئیل سپرد و او به رسول خدا (صلى الله عليه وآله) و او به امیر المؤمنین (علیه السلام)، و امیر المؤمنین (علیه السلام) نیز به هر که خدا خواست سپرد. سپس شما (می‌خواهید) آن را از کسی که شنیده، و به نگفتنش متسک شده، ضایع و تباه کنید). (۴۹)

رؤیا بر زمین واقع نمی‌گردد؛ زیرا به مثابه‌ی یک خبر به مؤمن القاء می‌شود. پس خداوند سبحان الله و تعالی، شیعه‌ی امیر المؤمنین (علیه السلام) را بوسیله‌ی رؤیا امتحان می‌کند، جز این که آنان رؤیا را حجتی از سوی خداوند می‌دانند. رؤیا، وحی الهی است که مقیاس سنجش میزان نزدیکی و تقرّب به خداوند می‌باشد. و به همین سبب در روایات آل محمد (علیه السلام) وارد شده که تقرّب و نزدیکی به خداوند، پیروان محمد و آل محمد (علیه السلام) را از هر گزند، مصون می‌دارد.
و از جمله‌ی این روایات:

عن زيد النرسي، قال: (قلت لأبي الحسن موسى (علیه السلام): الرجل من مواليكم يكون عارفاً يشرب الخمر، ويرتكب الموبق من الذنب نتراً منه؟ فقال: تبرأوا من فعله ولا تبرؤوا منه، أحبوه

۴۸. مختصر بصائر الدرجات - الحسن بن سليمان الحلبي: ص ۱۰۴.

۴۹. مختصر بصائر الدرجات: ۱۰۴.

وابغضوا عمله، قلت: فیسعنا أن نقول: فاسق فاجر؟ فقال: لا، الفاسق الفاجر: الكافر الجاحد لنا الناصب لأوليائنا، أبا الله أن يكون ولينا فاسقاً فاجراً، وإن عمل ما عمل، ولكنكم تقولون فاسق العمل فاجر العمل، مؤمن النفس خبيث الفعل، طيب الروح والبدن، والله ما يخرج ولينا من الدنيا إلا والله ورسوله ونحن عنه راضون، يحشره الله على ما فيه من الذنوب مبيضاً وجهه، مستورة عورته، آمنة روعته، لا خوف عليه ولا حزن، وذلك أنه يخرج من الدنيا حتى يصفى من الذنوب إما بمصيبة في مال أو نفس أو ولد أو مرض، وأدنى ما يصفى به ولينا أن يريه الله رؤيا مهولة فيصبح حزينا لما رأى فيكون ذلك كفارة له، أو خوفاً يرد عليه من أهل دولة الباطل أو يشدد عليه عند الموت، فيلقى الله طاهراً من الذنوب، آمناً روعته بمحمد (صلى الله عليه وآله) وأمير المؤمنين (عليه السلام)، ثم يكون أمامه أحد الأمرين: رحمة الله الواسعة التي هي أوسع من ذنوب أهل الأرض جميعاً وشفاعة محمد وأمير المؤمنين (عليهم السلام)، إن أخطأته رحمة ربه أدركته شفاعة نبيه وأمير المؤمنين (عليهم السلام) فعندها تصيبه رحمة ربه الواسعة). (۵۰)

(از زید بن یونس شحام روایت کرده است که به [علی بن] موسی بن جعفر (علیه السلام) عرض کردم: مردی از دوستان شماست شراب می خورد و مرتکب گناهان تباه سازنده می شود، آیا از او بیزاری جوئیم؟ امام (علیه السلام) فرمود: از کارش بیزاری جوئید، ولی از او نه، عمل او را دشمن بدارید. عرض کردم: آیا ما را می رسد که بگوئیم: او فاسق و فاجر است؟ فرمود: نه، جایز نیست، خداوند نخواست که دوست ما فاسق و فاجر باشد، اعمالش هر چه باشد، باشد ولی بگوئید عملش فاسق و فاجر است و نفسش مؤمن است، کارش پلید است و روح و بدنش پاکیزه است. نه، به خدا سوگند دوست ما از دنیا بیرون نمی رود جز این که خداوند و رسول او و ما از او خوشنودیم، خداوند او را با گناهانش در حالی محشور می کند که رویش سپید و گناهانش پوشیده و از ترسش در امان است، نه بیمی بر او است و نه غمی دارد. زیرا از دنیا بیرون نمی رود تا این که با گرفتاری به مصیبتی در مال یا جان یا فرزند یا بیماری از گناهان تصفیه می شود. و کمترین کاری که با دوست می شود این است که خداوند رؤیایی وحشتناک به او می نمایاند و صبح به خاطر آن رؤیا غم زده بیدار می شود، و همین کفاره گناهان اوست، یا این که ترسی از اهل دولت باطل بر او وارد می سازد یا سكرات مرگ را بر او سخت می نماید،

پس خدا را در حالی دیدار می‌کند که از گناهان پاک شده و از ترس و وحشت خود با [دیدار] محمد و امیر المؤمنین (علیه السلام) در امان است. سپس یکی از دو چیز در برابر او قرار می‌گیرد: یا رحمت گسترده خداوند که از همه اهل زمین گسترده‌تر است، یا شفاعت محمد و امیر المؤمنین (علیه السلام)، اگر رحمت خداوند به او نرسد شفاعت پیامبر خدا و امیر المؤمنین (علیه السلام) او را در خواهد یافت).

و در حدیثی دیگر که امام صادق (علیه السلام) این معنا را برای ما نقل می‌کنند تا از خلال آن ملتفت شویم که خداوند مؤمنان را با رؤیای هشدار دهنده، مورد امتحان قرار می‌دهد. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمودند: (إذا كان العبد على معصية الله وأراد الله به خيراً أراه في منامه رؤيا تروعه فينزجر عن تلك المعصية، وإن الرؤيا الصادقة جزءاً من سبعين جزءاً من النبوة)، (هرگاه بنده‌ای بر معصیت خدا قرار گرفته باشد و خداوند خواهان اصلاح و خیر او باشد، در خواب، به صورت رؤیا به او هشدار می‌دهد، پس از آن معصیت منزجر می‌گردد. و به راستی که رؤیای صادقه، جزئی از هفتاد جزء نبوت می‌باشد).^(۵۱)

ای خواننده‌ی عزیز، مسأله‌ی بداء را فراموش مکن! که برخی از رؤیای شامل قانون بداء الهی هستند، همان‌گونه که از آل محمد (علیهم السلام) روایت شده است: (ما عبد الله بشيء أفضل من البداء)، (اعتقاد به بداء از بالاترین عبادات است). و روایات و احادیث بسیار دیگر که از وفات شخص خبر می‌دهد یا رؤیایی که از مُردنش خبر می‌دهد که با صدقه یا عمل خیر، دفع می‌گردد.

و از برای کسی که به حدیث آل محمد (علیهم السلام) اعتقاد دارد، کفایت می‌کند که احادیث بسیاری از ایشان (علیهم السلام) بر صدق و حقیقت رؤیا تأکید می‌کردند و الا کسی که تمام این احادیث را انکار می‌کند و به عقل خود تکیه می‌کند، مبنی بر این که رؤیا بر اساس فهم اشتباهش، در عالم ماده، واقع نگردیده است این تصور اشتباهی است؛ زیرا با معصوم در تضاد است. و قضاوت را به خواننده واگذار می‌کنم.



نکته چهارم:

دین خدا گران تر از رؤیاست

برخی از مُنکران رؤیا می‌خواستند بگویند که حدیث شریف روایت شده از امام صادق (علیه السلام): (إن دین الله أعز من أن یری فی النوم)، (دین خدای عزیز و جلیل، عزیزتر و والاتر از این است که با خواب سامان داده شود) حجیت رؤیا را نفی می‌کند. پس مادامی که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «دین خدا عزیزتر و والاتر از آن است که در خواب دیده شود»، رؤیا حجتی برای صاحب خود، جهت احتجاج، محسوب نمی‌شود. و شگفت است که مردم با این دلیل باطل و بدون رجوع به اصل حدیث شریف، به راحتی فریب می‌خورند. و این متن حدیث شریف است تا برای خواننده آشکار گردد که چگونه خصم روش خود را در حدیث شریف به کار گرفته‌اند.

عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال: (ما تروي هذه الناصبة؟ فقلت: جعلت فداك في ماذا؟ فقال: في اذاهم وركوعهم وسجودهم، فقلت: إنهم يقولون: إن أبي بن كعب رآه في النوم، فقال: كذبوا فإن دین الله أعز من أن یری فی النوم، قال: فقال له سدیر الصیرفي: جعلت فداك فأحدث لنا من ذلك ذكراً، فقال أبو عبد الله (عليه السلام): إن الله لما عرج بنبيه ﷺ إلى سماواته السبع أما أولیهن...). (۵۲)

از ابي عبد الله (عليه السلام) روایت شده که فرمودند: (این ناصبیان چه روایت می‌کنند؟ عرض کردم: فدایتان شوم در مورد چه چیز؟ فرمودند: در اذان و رکوع و سجودشان. عرض کردم: آنان می‌گویند که ابي بن کعب در خواب چنین دیده. حضرت فرمودند: افتراء بسته‌اند، دین خدا والاتر و برتر از آن است که از طریق خواب اخذ شود. گوید: پس سدیر صیرفی به ایشان (علیه السلام) عرض کرد: فدایتان شوم، پس تذکره‌ای از آن برای ما ذکر کنید. حضرت فرمود: هنگامی که خداوند عز و جل، پیامبرش را به سوی آسمان‌های هفت‌گانه‌ی خویش عروج داد...).

حدیث همان‌گونه که واضح و آشکار است در مورد کسی سخن می‌گوید که مُنکر خدا، ولی خدا و حجتش می‌باشد (و ناصبی بوده)، پس کسی که منکر ولی خداست، آیا چیزی از او گرفته می‌شود؟! سبحان الله! اگر انکار می‌کند و خواهان گمراهی مردم با دروغگوئی به اعتقاد آنان (در حجیت رؤیا)، می‌باشد، پس چگونه به آنان می‌گوید حجت در افعالشان خود رؤیا می‌باشد؟! لذا پاسخ امام (علیه السلام) آمد که دین خدا عزیزتر از آن است که در خواب گرفته شود، خداوند ائمه‌ی واجب اطاعتی بر بندگان فرض داشته و بندگان خویش را به اخذ امور از ایشان (علیهم السلام) امر کرده است و هر کس با آنان مخالفت کند، از اهل آتش است.

در حقیقت، وقتی خداوند سبحان و تعالی، رؤیا را مشروعیت بخشید، برای آن کلیدهایی قرار داد و کلیدهای آن، اهل بیت (علیهم السلام) هستند. پس قفل آن تا زمانی که به دست امام معصوم گشوده نشود، حجت آن همواره غیر واضح باقی می‌ماند.

و مثال آن از قرآن کریم، رؤیای فرعون می‌باشد، بر او حجت بود و می‌بایست برای فهم و گشودن رمزهای آن به ولی معصوم یعنی یوسف مراجعه کند تا اسرارش را فاش کند. و در این مطلب برای طالب شناخت حق و اهلش کفایت است. از خداوند هدایت را برای هر کس که او به هدایتش اراده کرده، مسئلت می‌داریم. (۵۳)

در حدیث، اشاره‌ی دیگری است و آن: امام (علیه السلام) در مورد این مسئله، کلام آخر را می‌فرمایند و آن مخالفت با هر آنچه که از افتراء و بهتان بر خدا و رسولش می‌زنند، بوده. و مسئله بر پیروان تاریخ بشریت، مخفی نیست. پس برای طالب معرفت حق و حقیقت مُیسر

۵۳. باید ملتفت شد که مقصود از این کلام، بدین معنا نیست که اهل بیت (علیهم السلام)، می‌خواهند رؤیای مردم را یکی از راه‌های تشریح در عقیده یا فقه قرار دهند؛ زیرا خداوند برای این امر، اهلش را قرار داده و آنان حجج الهی در هر زمان می‌باشند. بلکه مقصود اصلی این بوده که رؤیا، مصداقی برای شناخت و تشخیص صاحب حق از میان ادعاهایی از روی زور و کذب می‌باشد. یا هدایت به سوی حجت خدا یا تأکید بر حقیقت او، در هنگام وجود شبهه و شک می‌باشد. همان‌گونه که در تاریخ دعوت‌های انبیاء و مرسلین و ائمه (علیهم السلام) موجود است.

تشریح به معنای ایجاد یا افصاح یا تحکیم حکم قبل از به وجود آمدنش می‌باشد، مانند حکم شرعی. اما تشخیص مصداق حق و هدایت به سوی آن، بدین معناست که آن مصداق موجود بوده و وجودش شکل گرفته و تحقق یافته است، به عبارت دیگر مشروعیت‌دار و منصوب و مبعوث شده همان‌گونه که در حجج الهی است. بدین سان، رؤیا شاهد و هدایت و مشخصه‌ای برای آنان می‌باشد.

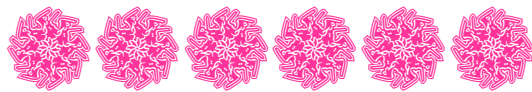
است که تحقیق و مطالعه کرده تا به حقیقت امر واقف آید.

و از روایت بعدی، چنین نتیجه می‌گیریم که رؤیا، حجت یا بیانی‌ست حتی در تشریح، اما به شرط این‌که از سوی معصوم صادر شده باشد و به مثابه‌ی راه هدایت به معرفت و شناخت حجت معصوم باشد، پس در این صورت، حجت و دلیل مطلق می‌باشد.

سوید قلانسی، از بشیر از ابی عبد الله (علیه السلام) نقل می‌کند که: (قلت له: إني رأيت في المنام أبي قلت لك: إن القتال مع غير الإمام المفترض طاعته حرام مثل الميتة والدم ولحم الخنزير، فقلت لي: نعم هو كذلك، فقال ابو عبد الله (عليه السلام): هو كذلك هو كذلك).

(به ایشان عرض کردم: در خواب دیدم که به شما عرض کردم: جنگ و کارزار با امام غیر مفترض الطاعة همانند مُردار و گوشت خوک، حرام است. به من فرمودید: آری همان‌گونه است. ابا عبد الله (علیه السلام) در جواب فرمودند: این چنین است، این چنین است).^(۵۴)

و امام (علیه السلام) به رؤیای صاحب آن، اقرار کرده و هرگز نفرمود که دین خدا والاتر و عزیزتر از آن است که از خواب گرفته شود.



نکته پنجم:

رؤیا حجت بر صاحب خود می‌باشد

سپس مسئله‌ی چهارمی که مُنکران حجیت رؤیا با آن احتجاج می‌کنند، گفته‌ی آن‌ها است که رؤیا تنها بر صاحب خود که آن را دیده، حجت می‌باشد نه بر عموم مردم. و گویندگان چنین گفته‌ای با چنین بهانه‌ای احتجاج نکردند مگر بعد از خالی شدن جعبه‌شان از هرگونه دلیل در نفی حجیت رؤیا و مطالعه‌ی روایات متواتر اهل بیت (علیهم السلام) در خصوص حجیت رؤیا! پس به راه جدیدی تمسک جستند تا از طریق آن، مردم را متقاعد کنند،

و این چنین به شخصی که رؤیا دیده طعنه بزنند و عدم تصدیق مردم به این حجت الهی را، تضمین کنند. پس به درستی که دانسته یا ندانسته، به یک حربه در دست شیطان تبدیل شدند و راه رسیدن مردم به آل محمد (علیهم السلام) را می بندند.

اما به کسی که نسبت به حقیقت جاهل است، می گوئیم: آری. رؤیا، بر بیننده‌ی آن و هم بر شنونده‌ی غیر او، حجت است، گویی امر رؤیا به او نیز اختصاص یافته و این امری است که آل محمد (علیهم السلام) در احادیث و روایات بسیار و متنوع، بر آن تأکید دارند.

همانا آل محمد (علیهم السلام) در آشکارترین بیان خویش، تصریح می کنند که رؤیا تنها به بیننده‌ی آن، اختصاص ندارد بلکه هرگاه انسان، مؤمنی را در رؤیا ببیند، از نظر اهل بیت (علیهم السلام) این نوع رؤیا، رسالتی از طرف خداوند می باشد که در احادیث فراوان بر آن، تأکید کردند. از جمله:

ما ورد عن أبي الدرداء، عن النبي ﷺ في قوله تعالى: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾،^(۵۵) قال: هي الرؤيا الصالحة يراها المسلم أو ترى له، فهي بشراه في الحياة الدنيا، وبشراه في الآخرة الجنة.^(۵۶)

ابی الدرداء از رسول الله ﷺ نقل می کند که در مورد فرموده‌ی خداوند: (در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است)، فرمودند: (آن رؤیای صالحه است که مؤمن می بیند یا برای او دیده می شود، و بشارتی در زندگی دنیائی و در آخرت بشارت دهنده به بهشت می باشد).

از ابن عباس در مورد فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ روایت شده: آن رؤیای حسنه‌ای است که مسلمان در مورد خود یا برخی از برادرانش، می بیند.^(۵۷)

هم چنین ابن عباس از رسول الله ﷺ روایت می کند که فرمودند: (ألا إنه لم يبق من مبشرات النبوة إلا الرؤيا الصالحة يراها المسلم أو ترى له)، (آگاه باشید که از مبشرات نبوت

۵۵. یونس: ۶۴.

۵۶. بحار الأنوار- العلامة المجلسي: ج ۵۸، ص ۱۹۴-۱۹۱.

۵۷. بحار الأنوار: ج ۵۸، ص ۱۹۴-۱۹۱.

چیزی باقی نمانده است جز رؤیای صالحه‌ای که مسلمان می‌بیند یا در مورد او دیده می‌شود.^(۵۸)

و حدیث روایت شده از عباده بن صامت از رسول الله ﷺ در مورد فرموده‌ی خداوند متعال:

﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾، فرمودند: (هي الرؤيا الصالحة يراها المؤمن لنفسه أو ترى له)، (آن رؤیای صالحه‌ای است که مؤمن می‌بیند یا در مورد او دیده

حدیث قبلی به همراه امام کاظم (علیه السلام) که ذکر کردیم، در آن آمده بود: (... پس به ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) اقرار کرد- سپس سکوت را اختیار کرد، بعد از آن کسی شاهد سخن گفتن او نبود و قبل از آن رؤیای حسنه می‌دید یا در موردش دیده می‌شد. اما رؤیا از او قطع گردید پس شبی از شبها ابا عبد الله (علیه السلام) را در خواب می‌بیند، و از انقطاع ارتباط با رؤیا، نزد او شکیوه و گلایه می‌کند. حضرت به او فرمودند: محزون نباش؛ زیرا هرگاه ایمان بنده‌ای استوار و راسخ می‌گردد، رؤیا از او رفع می‌شود.^(۶۰)

پس ای خواننده‌ی عزیز، می‌بینی که احادیث و روایات اهل بیت (علیهم السلام) در ابلاغ الهی در رؤیا بر شخص بیننده، هیچ کوتاهی و سهل‌انگاری نکرده است، بلکه با رؤیا مؤمنین برای مؤمن یعنی دیدار و مشاهده‌شان با آنچه که در خصوص مؤمنین است، امتداد یافته. و امروز دعوت سید احمد الحسن، یمانی آل محمد (علیهم السلام) برای هر مؤمنی بدون استثناء بوده و رؤیا نیز بدون استثناء، شامل همگان و عمومی می‌باشد.

همان‌طور که آل محمد (علیهم السلام) بر حجیت رؤیا، نزد همگان، از جهت دیگر تأکید کردند و آن، گفته‌ی مبشرات است، پس آیا مقصود از بشارت‌دهنده در کلام آل محمد (علیهم السلام) تنها مخصوص شخص بیننده است یا همه را شامل می‌شود و هم‌چنین رؤیای هشدار دهنده؟!

و حقیقت این است که رسول الله ﷺ و ائمه (علیهم السلام) بیان کردند که رؤیاهای بشارت‌دهنده

۵۸. بحار الأنوار: ج ۵۸، ص ۱۹۴-۱۹۱.

۵۹. بحار الأنوار: ج ۵۸، ص ۱۹۴-۱۹۱.

۶۰. بصائر الدرجات- للصفار: ص ۲۷۴، الثاقب في المناقب- للطوسی: ص ۴۵۶، بحار الانوار ج ۵۸ ص ۱۸۹.

و هشدار دهنده، شامل همه می‌باشند و جنبه‌ی عمومی دارند. به این دلیل که رسول الله ﷺ آن فرموده را برای همه بدون استثناء می‌فرمود.

پس اگر مختص یک بیننده‌ی خاص می‌بود، و به عبارت دیگر منحصر به فرد بود، رسول الله ﷺ هرگز اهتمام این‌چنینی به رؤیا نمی‌ورزید تا بدین حد که آن را با نبوت برابر، می‌دانست و می‌فرمود وحی قطع گشته و مبشرات باقی ماندند. و هان به کلام ایشان گوش فراده و خود قضاوت کن.

عن رسول الله ﷺ، قال: (لا نبوة بعدي إلا المبشرات. قيل: يا رسول الله، وما المبشرات؟ قال: الرؤيا الصالحة). (۶۱)

رسول الله ﷺ فرمودند: (بعد از من نبوتی نیست، جز مبشرات. عرض شد: یا رسول الله مبشرات چیست؟ فرمودند: رؤیای صالحه).

سمعت رسول الله ﷺ يقول: (لم يبق من النبوة إلا المبشرات، فقالوا: وما المبشرات؟ قال: الرؤيا الصالحة). (۶۲)

از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: (از نبوت چیزی باقی نمانده جز مبشرات. عرض شد: یا رسول الله مبشرات چیست؟ فرمودند: رؤیای صالحه).

عنهم (عليهم السلام): (انقطع الوحي وبقي المبشرات ألا وهي نوم الصالحين والصالحات). (۶۳)

از ایشان (علیهم السلام): (همانا وحی قطع گردیده و مبشرات باقی مانده‌اند، آگاه باشید که آن خواب مردان و زنان نیکوکار و صالح است).

عنهم (عليهم السلام): (ذهبت النبوة وبقيت المبشرات، الرؤيا الصالحة يراها المسلم أو يرى له). (۶۴)

از ایشان (علیهم السلام): (نبوت از میان رفت و مبشرات باقی ماندند، رؤیای صالحه‌ای که مسلمان می‌بیند یا در مورد او دیده می‌شود).

إن الإمام الرضا ينقل عن رسول الله ﷺ فيقول: (إن رسول الله ﷺ كان إذا أصبح قال

۶۱. بحار الأنوار ج ۵۸، ص ۱۹۲ / مسند أحمد ج ۵، ص ۴۵۴.

۶۲. بحار الأنوار: ج ۵۸ ص ۱۷۷.

۶۳. بحار الأنوار: ج ۵۸ ص ۱۷۶.

۶۴. بحار الأنوار: ج ۵۸ ص ۱۷۸.

لأصحابه: هل من مبشرات؟ يعني الرؤيا).^(۶۵)

امام رضا (علیه السلام) از رسول الله (صلی الله علیه و آله) نقل می‌فرماید: (همانا رسول الله (صلی الله علیه و آله) هنگامی که صبح فرا می‌رسید به اصحاب خویش می‌فرمودند: آیا مبشراتی هست؟ یعنی رؤیای صادقانه).

عن رسول الله (صلی الله علیه و آله) قال لأصحابه: (إن الرسالة والنبوة قد انقطعت فلا رسول بعدي ولا نبي. قال: فشق ذلك على الناس. قال: قال: ولكن المبشرات. قالوا: يا رسول الله، وما المبشرات؟ قال: رؤيا الرجل، وهي جزء من أجزاء النبوة).^(۶۶)

رسول الله (صلی الله علیه و آله) به اصحاب خویش فرمودند: (همانا رسالت و نبوت قطع گردیده، پس بعد از من هیچ رسول و پیامبری نیست. گوید: پس این موضوع بر مردم گران آمد. پس فرمودند: اما مبشرات هستند. عرض شد: یا رسول الله مبشرات چیست؟ فرمودند: رؤیای شخص و آن جزئی از هفتاد جزء نبوت می‌باشد).

و دیگر احادیث بسیار که هر کس خواهان مطالعه است، بدان‌ها مراجعه کند.

اصلی که در اخبار، برقرار است این که از جانب حجت باشد و حجت در هر زمان، یکی است. پس اشاره، از جانب حجت بر خلق دریافت می‌شود و متعدد بودن در این ناحیه مورد قبول واقع نمی‌گردد و اگر غیر از این بود، به راستی که راه مستقیم، متعدد می‌شد و این امری محال بوده و خلاف شریعت اسلام است. پس هر کس مخالفت کند، دینی غیر از اسلام را برگزید.

خبر دهنده در رؤیا اگر معصوم باشد، خلافتی در حجیتش نیست، حالا چه خود بنده، رؤیا را دیده باشم و چه غیرم.^(۶۷) خداوند ما را به آنچه که دوست دارد و می‌پسندد، هدایت فرماید.

بعد از کوتاه آمدن، می‌گوییم: همانا رؤیایا اگر یک رؤیا، دو رؤیا یا سه رؤیا بودند، می‌توانستیم آن‌ها را بر وجه مخالف یا فقط به بیننده مختص گردانیم یا... یا... دیگر راه‌هایی که می‌توان عرض کرد. اما در مورد هزاران رؤیاهائی که انصار در خصوص قضیه‌ی وصی و

۶۵. میزان الحکمة - محمد الریشهری: ج ۲ ص ۱۰۱۰.

۶۶. مسند أحمد: ج ۳، ص ۲۶۷.

۶۷. آری، رؤیا عبارت است از: ارشادگر و راهنما و هدایت‌گر به امر خاص بیننده، اما کلام ما در باب رؤیای متواتریست در مورد یک امر معین برای عامه، در تبیان و تشخیص مصداق حقی که بر مردم مشتبه گشته.

فرستاده‌ی امام مهدی، سید احمد الحسن (علیه السلام)، از سرزمین‌های مختلف، مشاهده کردند، چه می‌توان گفت؟

سلام و درود خداوند بر علی بن ابی‌طالب که فرمودند:

أرید حیاته و یرید قتلی***عذیرک من خلیلک من مرادی

من زندگی او را می‌خواهم، او کشتن مرا. عذر این دوست مرادی‌ات را در این مقابله به ضد برای من بازگو کن.

و در پایان، به حق طلبان که حق علی‌ست می‌گویم که علی در مورد رؤیا فرمودند: (أن الرؤیا تجری بحری کلام یکلم به ربک عبده)، (خواب دیدن مؤمن، همچون کلامی است که خداوند در نزد او سخن گفته است).

پس هر کس خواست علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) را تصدیق کند، به راستی که به آن سزاوار و منعم است و الا آتش مهیای اوست.



بهترین کلام، کلام آل محمد (علیهم السلام) است.

و بهترین کلام‌ها، کلام گوهر بار آل محمد (علیهم السلام) می‌باشد و لذا این سخنان مولا و سرورم، قائم آل محمد (علیهم السلام) و یمانی ایشان، سید احمد الحسن سلام و درود خداوند بر ایشان باد، (مادامی که شب و روز پایدارند)، را ضمیمه‌ی این بحث کردم و آن برخی از پاسخ‌های ایشان به پرسش‌گران می‌باشد که در چهار جزء کتاب متشابهات گنجانده شده و جهت سودمندی بیشتر، هم سؤال و هم پاسخ را ذکر کردم:

سؤال ۱۳۴: خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾، (همانا کسانی که گفتند پروردگارا ما الهی است سپس استقامت ورزیدند ملائکه بر آنان نازل می‌شوند که

هراسان بیمناک و اندوهگین باشید و شما را به بهشتی که به شما وعده داده شده بشارت می‌دهیم).^(۶۸)

آیا از آیه دریافت می‌شود که برخی ملائکه بر مؤمنین نازل می‌شوند و به آنان بشارت می‌دهند. آیا این بشارت در رؤیا محقق می‌شود؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمه و المهديين و سلم تسليماً كثيراً

آری همان‌گونه است و ملائکه در رؤیای صادق، به مؤمنان بشارت می‌دهند که بر ولایت الهی در حال سیر و حرکت هستند و پیرو و تابع ولی خدا گشته‌اند و در آیه فرموده‌ی: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾،^(۶۹) (برای آنان بشارتی در زندگی دنیائی است). رسول الله ﷺ در مورد این آیه فرمودند: (بشارت، همان رؤیای صادق است).^(۷۰)

در حدیثی از جابر از ابی جعفر (علیه السلام) نقل می‌کند که مردی از رسول خدا در مورد این آیه از کتاب الهی پرسید: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾، (در زندگی دنیا برای آنان بشارت است)، فرمودند: (آن رؤیای صالحه است که مؤمن می‌بیند و در زندگی دنیائی به او بشارت می‌دهد).^(۷۱)

و اگر به کلام خداوند قبل و بعد از این آیه توجه کنید: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ * وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾،

۶۸. فصلت: ۳۰.

۶۹. یونس: ۶۴.

۷۰. و حدیث روایت شده از عباده بن صامت از رسول الله ﷺ در مورد فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾، فرمودند: (هی الرؤیا الصالحة یراها المؤمن لنفسه أو ترى له)، (آن رؤیای صالحه‌ای است که مؤمن می‌بیند یا در مورد او دیده می‌شود).

۷۱. الکافی: ج ۸ ص ۹۰.

(اولیای خدا هیچ بیم و هراسی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند * کسانی که ایمان آورده و تقوای الهی پیشه کنند * بر آنان بشارتی در زندگی دنیایی و در آخرت می‌باشد و هیچ تبدیلی برای کلمات الهی نیست و آن رستگاری بزرگی است * و سخن آنان تو را محزون نسازد؛ زیرا همانا تمام عزت از آن پروردگار است و او شنوا و دانا است).^(۷۲)

در این آیات کسانی که خداوند در مورد آنان می‌فرماید ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾، (در زندگی دنیا برای آنان بشارت است)، کسانی هستند که رؤیا می‌بینند و آنان را به حقایق اعتقاد و حُسن عاقبتشان بشارت می‌دهد و خداوند آنان را به عنوان اولیای حقیقی خویش توصیف می‌کند و در آیات قبل از آن آمده: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ * الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾، (اولیای خدا هیچ بیم و هراسی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند * کسانی که ایمان آورده و تقوای الهی پیشه کنند)، یعنی کسانی که رؤیای صادقه و مبشرات می‌بینند آنان به حق اولیای متقی الهی می‌باشند.

و این رؤیای بشارت دهنده که می‌بینند، به حُسن عاقبتشان بشارت می‌دهد و خداوند آنان را در کلام خود به عنوان مؤمنان وصف می‌کند و آنان حق مطلق هستند و تغییر و تبدیل نمی‌یابند و آن درجه، از عالم غیب می‌باشد که اولیای متقی پروردگار به آن می‌رسند مبدلی برای کلمات خداوند نیست و آن رستگاری بزرگ می‌باشد، خداوند تبارک و تعالی بیان می‌کند بیشتر کسانی که با انبیاء (علیهم السلام) به مبارزه برمی‌خیزند، کلام الهی در عالم غیب و رؤیا را تصدیق نمی‌کنند و خداوند سبحان به رسول و مؤمنین امر کرده که نسبت به تکذیب‌کنندگان رؤیا هیچ حزن و اندوهی به دل خود راه ندهند و سخنان آنان تو را محزون نسازد؛ زیرا تمام عزت از آن پروردگار است و خداوند شنوا و دانا می‌باشد؛ زیرا این اشخاص تنها رسول و مؤمنین را تکذیب نکرده‌اند، بلکه ذات الهی را مورد انکار و تکذیب قرار می‌دهند و آیات او را انکار می‌کنند: ﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾، (همانا می‌دانیم آن سخن تکذیب‌کنندگان تو را محزون و اندوهگین می‌سازد که آنان تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه ظالمان آیات الهی را مورد انکار قرار می‌دهند).^(۷۳) پس رؤیای

۷۲. یونس ۶۵-۶۲.

۷۳. الأنعام: ۳۳.

صادقه آیات خدا، کلمات خدا و میزان حقی است که انسان بواسطه‌ی آنها می‌فهمد، بر جاده‌ی و مسیر حق، راه مستقیم گام بر می‌دارد و کسانی که رؤیا را انکار می‌کنند، دشمنان خدا و تکذیب‌کنندگان انبیاء و اوصیاء علیهم السلام می‌باشند پس آنان نه تنها تو را تکذیب می‌کنند، بلکه ظالمانی هستند که آیات الهی را انکار می‌کنند. و قانون الهی از آیات قبلی بیان می‌کند که اولیای خداوند کسانی هستند که ایمان آوردند و تقوای الهی پیشه کردند برای آنان بشارتی در زندگی دنیا می‌باشد یا آنان رؤیا را حتماً می‌بینند و یا در موردشان دیده می‌شود که به استقامت در طریق و عقیده‌شان بشارت‌شان می‌دهد، پس کسانی که به رؤیای صادقه اعتناء نمی‌کنند و نمی‌پذیرند نه تنها از اولیای خدا نیستند بلکه از ایمان آوردگان و پرهیزکاران هم نیستند اگر به آیه‌ی دیگری منتقل شویم فایده‌ی روزه را بر ایمان بیان می‌کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾، (ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما واجب شده همان طور که بر کسان قبل از شما واجب شده امید است پرهیزگار شوید).^(۷۴) یعنی روزه به این سبب بر شما واجب شده که امید است، شما پرهیزگار شوید. و شخص پرهیزگار تقوای خود را از سوی خدا بواسطه‌ی حق الهی می‌شناسد و آن کلمات و آیات هستند که ظالمان آنها را انکار می‌کنند و آن رؤیای صادقه می‌باشد، پس کسی که در استقامت راه خود، رؤیای صادقه‌ای نمی‌بیند و در مورد او دیده نمی‌شود، نمی‌تواند نه تنها از پرهیزگاران باشد بلکه از روزه‌داران هم نمی‌باشد بر اساس این روایت: (و چه بسیار روزه‌دارانی که تشنگی و گرسنگی را تحمل می‌کنند اما مانند کسی هستند که روزه نگرفته است).^(۷۵)

و کسانی که رؤیای صادقه را انکار می‌کنند در حقیقت ارواحشان منکر ذات الهی شده پس آنان علاوه بر این که تو را تکذیب می‌کنند بلکه ظالمانی هستند که آیات الهی را انکار می‌کنند: ﴿فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾، (آنان تو را تکذیب نمی‌کنند بلکه ظالمان آیات الهی را مورد انکار قرار می‌دهند).

۷۴. البقرة: ۱۸۳.

۷۵. به حدیث روایت شده از رسول الله صلی الله علیه و آله مراجعه شود که فرمودند: (چه بسا روزه‌داری که بمره‌اش از روزه داری‌اش، تنها گرسنگی و تشنگی باشد و چه بسا قیام‌کننده در نیمه‌های شب که بمره‌اش تنها بی‌خوابی است).
الوسایل الشیعه ج ۱ ص ۷۲.

سوال ۱۴۵: معنی این آیه چیست؟

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَآيُوقِنُونَ﴾، (و هر وقت که موقع تحقق قول ما بر آنها برسد ، دابة الارض را برای آنها بیرون می کشیم تا با مردم سخن بگویند که بیشتر مردم ایمان نمی آورند). (۷۶)

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليما
شخصی به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: (به من رسیده است که بیشتر مردم این آیه را این گونه می خوانند تکلمهم یعنی تخرحهم یعنی دابة الارض آنان را مجروح می کند حضرت ابتدا آنها را نفرین فرمودند: (خدا با آنها در آتش سخن بگوید. بعد فرمودند: نازل نشده مگر همین کلمه که با آنها سخن می گوید). (۷۷)

و از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که: ﴿أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ﴾، (دابة الارض را برای آنها بیرون می کشیم) یعنی علی (علیه السلام). (۷۸)

پس جنبه در این آیه انسانی است و بر اساس روایات معلوم می شود که علی (علیه السلام) است و در رجعت اتفاق می افتد. پس علی (علیه السلام) دابة الارض است، (۷۹) که در رجعت با مردم سخن

۷۶. النمل: ۸۲.

۷۷. بحار الأنوار ج ۵۳، ص ۵۳.

۷۸. روایات بسیاری اشاره دارند که مقصود از جنبه‌ی زمین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) در رجعت می باشد. به این روایات مراجعه شود: بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۵۳ و مدينة المعاجز للبحراني: ج ۳، ص ۹۰ و دیگر کتب حدیث.

۷۹. روایات اهل بیت (علیهم السلام)، اشاره دارد که علی بن ابی طالب جنبه‌ی خاص خداوند می باشد که مهدی اول (علیه السلام) در این لقب، با ایشان شریک است. و از جمله‌ی این روایات حدیث ابی بصیر می باشد که از ابی عبد الله (علیه السلام) روایت می کند که فرمودند: (رسول الله ﷺ به سوی امیر المؤمنین (علیه السلام) رفت، ایشان در مسجد در حالی که زیر سر خود شن جمع کرده، روی آن خوابیده بود، رسول الله ﷺ پاهای ایشان را تکان داد و فرمود: ای دابة الله. مردی از اصحاب حضرت عرض کرد: یا رسول الله آیا جایز است که برخی از ما این اسم را بر برخی دیگر قرار دهد؟ فرمودند: خیر به خدا سوگند که این اسم خاص اوست و او دابه‌ای است که خداوند در کتاب خویش فرمود: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَآيُوقِنُونَ﴾، (و هر وقت که موقع تحقق قول ما بر آنها برسد ، دابة الارض را برای آنها بیرون می کشیم تا با مردم سخن بگویند که بیشتر مردم ایمان نمی آورند). مختصر

می‌گوید. و با نشانه‌های خدا، مؤمن را از کافر مشخص می‌کند. و پیش از رجعت قیام قائم نیز برای ایشان جنبه‌ای است که با مردم سخن می‌گوید،^(۸۰) و برای آنان ضعف ایمانشان به آیات حق خدا را در ملکوت آسمان‌ها و زمین تبیین می‌کند. و آن رؤیا در خواب و مکاشفه در بیداری است. و تبیین می‌کند که بیشتر مردم در طول حرکت انسانی در مسیر تاریخ بر این زمین به نشانه‌های ملکوتی خدا و رؤیا و مکاشفه در ملکوت آسمان‌ها ایمان نمی‌آورند. زیرا نگاه خود را محدود به زمین و ماده کرده‌اند و این نهایت دست‌یابی آنان به علم است و بالاتر از آن را نمی‌بینند.

﴿ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى﴾، (و آن نهایت دستیابی آنان به علم است. همانا پروردگارت به آنان که از راهش گم شدند و نیز به هدایت یافتگان آگاه‌تر است).^(۸۱)

و از طرف دیگر انبیاء و اوصیاء و رسولان و یارانشان به نشانه‌های خدا و رؤیا و مکاشفه در ملکوت آسمان‌ها و زمین ایمان آوردند و همانا این‌ها طریقه وحی خدای سبحان و متعال است و اگر ایمانشان این‌گونه نبود، خدا آنان را نبی نمی‌کرد. و به همین دلیل خدا آنان را مدح کرده است و فرمود: ﴿وَنَادَيْنَاهُ أَتَيْتَنَا بِرَأْيِهِمْ * قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾، (او را ندا دادیم که ای ابراهیم * رؤیا [ی خود] را حقیقت بخشیدی ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم).^(۸۲) و فرمود: ﴿وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانٌ وَالْحَنُوفَ ذُقْتَ إِنَّكِ مِنَ الْقَانِينَ﴾، (و مریم دخت عمران را همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمان‌برداران بود).^(۸۳)

بصائر الدرجات: ص ۴۳، پس در حدیث رسول الله ﷺ دقت کن که لقب دابة الله را به علی (علیه السلام) خاص می‌گرداند و سپس دابة الأرض در آیهی قرآنی را ذکر می‌کند. پس نقطه‌ی عطفی در تمایز این دو لقب می‌باشد.
 ۸۰. و استاد احمد حطاب سخنی دیگر در مورد این مسئله را در کتاب (جنبه‌ی زمین انقلاب‌گر مشرق) عرضه داشته، به منبع ذکر شده مراجعه شود.

۸۱. النجم: ۳۰.

۸۲. الصافات: ۱۰۵-۱۰۴.

۸۳. التحريم: ۱۲.

و خدای متعال در مورد رؤیا فرمود: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ﴾، (ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم بر تو حکایت می‌کنیم و تو قطعاً پیش از آن از بی‌خبران بودی).^(۸۴)

و ابراهیم (علیه السلام) را ستود چون رؤیا را راست پنداشت و به همین ترتیب مریم را ستود؛ زیرا رؤیا را راست پنداشت و یوسف (علیه السلام) را ستود؛ زیرا رؤیا را راست پنداشت و آن را تأویل نمود. خدای متعال فرمود: ﴿يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ﴾، (ای یوسف ای مرد راستگوی در باره [این خواب که] هفت گاو فربه هفت [گاو] لاغر آنها را می‌خورند و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر به ما نظر ده تا به سوی مردم برگردم شاید آنان [تعبیرش را] بدانند).^(۸۵)

و امروز می‌بینی که بیشتر مردم حقیقت رؤیا را منکرند در حالی که آن وحی‌ای از طرف خدای متعال و سبحان است و این بدان علت است که نفوس خبیث آنها منکر رؤیا است و مؤمن به خدای سبحان و متعال نیست در حالی که نمی‌دانند. و آنان در عالم ذر به خدا کفر ورزیدند و به ولایت الهی کافر شدند و به ولی‌ای از اولیای خدا حتی در قلبشان مؤمن نشدند، پس خدا آنان را مقرر به بعضی از حق قرار داد تا به این وسیله از اولیایش شر را دفع نماید.^(۸۶)

۸۴. یوسف: ۳.

۸۵. یوسف: ۴۶.

۸۶. به این حدیث بنگر: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (همانا خدا اقوامی را برای جهنم و آتش آفرید و به ما فرمان داد تا پیام را به آنان ابلاغ کنیم همان‌گونه که کردیم و از آن بی‌زاری جستند و دل‌هاشان منکرش شد و آن را به خودمان بازگرداندند و آن را حمل نکردند و دروغش پنداشتند و گفتند گوینده‌اش ساحر و کذاب است. پس خدا بر دل‌هاشان مهر زد و آن را فراموششان نمود سپس خدا زبان‌شان را به بعضی از حق به سخن در آورد در حالی که دل‌هاشان منکر بود، تا به این وسیله شر را از اولیاء و اهل طاعتش بازدارد و اگر این‌گونه نبود، خدا در زمین پرستش نمی‌شد. پس به ما دستور داد تا از آنان بپوشانیم پس شما هم از آنان که خدا دستور به نرساندن پیام به آنها داده است، آن را بپوشانید)، الکافی جلد ۱ ص ۴۰۲.

و رؤیا راهی است که خدا با آن با همه بندگان و انبیاء و رسولان سخن می گوید،^(۸۷) چه از اولیای خدا باشند چه از دشمنانش، چه مؤمن و چه کافر. خدا به فرعون کافر مصر وحی کرد از طریق رؤیائی که یوسف (علیه السلام) با استفاده از آن اقتصاد دولت را بنا نهاد: ﴿وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانِيًا كُلُّهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعُ سُنْبُلَاتٍ خَضِرٍ وَأُخْرَى بَسَاتِيَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ﴾، (و پادشاه گفت همانا من در رؤیا دیدم که هفت گاو چاق هفت گاو لاغر را خوردند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه زرد پس از آنان دیدم ای درباریان! مرا از رؤیایم خبر دهید اگر توان تعبیر رؤیا را دارید).^(۸۸)

و خدا به محمد (صلی الله علیه و آله) رؤیائی وحی فرمود که نشان می داد پس از او بر اهل بیتش چه می رود و بنی امیه بر اُمت مسلط می شوند: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾، (و [یاد کن] هنگامی را که به تو گفتیم به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد و آن رؤیایی را که به تو نمایاندم و [نیز] آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ما آنان را بیم می دهیم ولی جز بر طغیان بیشتر آن ها نمی افزاید).^(۸۹)

و خدای سبحان و متعال خودش را شاهد بر کفار به نبوت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) می گیرد، اگر شهادتش را بخواهند و شهادت خدای سبحان و متعال جز از طریق رؤیا چگونه ممکن است؟ ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾،

۸۷. امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (رؤیا المؤمن تجری مجری کلام تکلم به الرب عنده)، (خواب دیدن مؤمن، همچون کلامی است که خداوند در نزد او سخن گفته است). بحار الأنوار: ج ۵۸، ص ۲۱۰.

۸۸. یوسف: ۴۳.

۸۹. الأَسْرَاء: ۶۰. و سلیم بن قیس از امیر المؤمنین (علیه السلام) در خطاب به معاویه (لع) روایت می کند که فرمودند: و خداوند در میان شما چنین نازل کرد: ﴿وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ﴾، (و آن رؤیایی را که به تو نمایاندم و [نیز] آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم). و آن هنگامی بود که رسول الله (صلی الله علیه و آله) ۱۲ امام از ائمه گمراهی را دید که بر منبرش نشستند و مردم را به پیشینیان باز می گرداندند، دو مرد از قریش و ۱۰ نفر از بنی امیه. اولین ۱۰ نفر دوست تو عثمان است که به دنبال خون اوی و تو و فرزندان و ۷ نفر از فرزندان حکم ابن ابی عاص که اولین آن ها مروان است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) حکم و همه فرزندان را آن گاه که پشت درب خانه پیامبر از زنان ایشان استراق سمع می کرد، لعن نمود و تبعید کرد). کتاب سلیم ابن قیس ص ۳۰۸، تحقیق محمد باقر الأنصاری.

(و کسانی که کافر شدند می گویند تو فرستاده نیستی بگو کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است میان من و شما گواه باشد).^(۹۰)

و خدای متعال فرمود: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ﴾، (و هر وقت که موقع تحقق قول ما بر آنها برسد)، پس آن سخنی که واقع می شود خروج قائم و قیامت صغری^(۹۱) است. ﴿أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَأَيُّقُنُونَ﴾، (دابة الأرض را برای آنها بیرون می کشیم تا با مردم سخن بگویند که بیشتر مردم ایمان نمی آورند).^(۹۲) و دابة الأرض مهدی اول است،^(۹۳) که قبل از قائم برمی خیزد و با مردم سخن می گوید و آنان را توبیخ می کند و کفر آنان به آیات ملکوتی خدا (رؤیا و مکاشفه) و توجهشان به ماده و شهوات و روگردانی شان از ملکوت آسمانها را گوشزد می کند.

۹۰. الرعد: ۴۳.

۹۱. از علی (علیه السلام) درباره ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَأَيُّقُنُونَ﴾، (و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد جنبده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که مردم [چنانکه باید] به نشانه های مایقین نداشتند). روایت است: (و آن را آن گونه که باید تدبیر نمی کنند. آیا شما را به آخر ملک فرزندان فلانی آگاه نکنم؟ گفتند چرا یا امیر المؤمنین! فرمود: نفسی که قتلش حرام است در ماه حرام در مکان حرام توسط قومی از قریش کشته می شود. و سوگند به آن که دانه را شکافت و روح را آفرید، پس از قتل این نفس جز ۱۵ روز آن قوم قریش حکومت نخواهند کرد). غيبة النعمانی: ص ۲۵۹. و در این جا علی (علیه السلام) بین قولی که واقع می شود و دابة الارض که خارج می شود و بین خروج قائم پس از قتل نفس زکیه، پس از ۱۵ روز ارتباط برقرار می کند).

۹۲. النمل: ۸۲.

۹۳. شکی نیست، جنبده ای زمین که در رجعت با مردم تکلم می کند، امیر المؤمنین (علیه السلام) است که در روایات بسیاری آمده است که بیشتر آن در پاسخ سؤال ۱۴۵ ارائه شد اما در این جا جنبده ای زمین وجود دارد که در آخر الزمان خروج می کند و با مردم سخن می گوید و آنان را به سبب تکذیبشان در مورد آیات الهی، توبیخ می کند و کافر را از مؤمن شناسائی می کند. امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: (خروج دابة الأرض از صفا اتفاق می افتد که با او مهر سلیمان (علیه السلام) و عصای موسی (علیه السلام) است و با آن مهر بر چهره هر مؤمنی می زند و مشخص می کند که او مؤمن است و بر چهره هر کافر می زند و مشخص می کند که او کافر است. در آن وقت دابة سرش را بیرون می آورد و به اذن خدا بعد از طلوع خورشید از مشرق، در میان مضطربین آن را می نمایاند. در آن هنگام توبه برداشته می شود و امکان توبه نیست و عملی پذیرفته نمی شود و عمل خیری بالا نمی رود و ایمان آن کس که قبلاً ایمان نیاورده است یا از ایمانش خیری به دست نیاورده است، سودی نمی رساند). تفسیر صافی جلد ۴ ص ۷۵) و واضح است که این در هنگام ظهور قائم (علیه السلام) و نه در رجعت است و دابة در این جا ایمانی و مهدی اول است.

خدای متعال فرمود: ﴿سُنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾، (به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است).^(۹۴)

و در روایات اهل بیت (علیهم السلام) آمده است که "انه الحق" همان قیام قائم است، و نشانه‌هایی که در آفاق و انفس می‌بینند، همان گونه که اهل بیت (علیهم السلام) تبیین کرده‌اند در آفاق (فتنه‌ها و بلا از آسمان است) و در انفس (مسخ است).^(۹۵)

و نیز آیات در آفاق ملکوتی یعنی آفاق آسمان‌ها و در نفس‌های آنها (رؤیا و مکاشفه) است و خدا به آنها آیات ملکوتی را می‌نماید تا آن که بدانند خروج قائم حق است، و آن که با آنان سخن می‌گوید این قائم است (یعنی مهدی اول از مهدیین دوازده‌گانه) و این آیات، نشانه‌هایی بر مهدی اول است و برای مردم آشکار می‌کند که او حقی از طرف پروردگارشان است.

پس این آیات و نشانه‌ها در آفاق و انفس خود، نفس دابة الارض است که در مورد آن با مردم سخن می‌گوید و مردم را سرزنش می‌نماید؛ زیرا آنان به او ایمان نمی‌آورند. و آنها، نشانه‌ها در ملکوت آسمان‌ها است و آن رؤیا و مکاشفه است.

و خوب است که اکنون کمی بر رؤیا تأکید کنیم. که در قرآن بسیار مورد توجه و تأکید خداوند سبحان و متعال و رسول الله ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) است:

و اما در قرآن: خدای سبحان و متعال رؤیا را بهترین قصه‌ها می‌داند. (بهترین داستان‌ها)^(۹۶)

۹۴. فصلت: ۵۳.

۹۵. از امام صادق (علیه السلام) روایت است: در نفس‌شان نشان‌شان می‌دهیم یعنی مسخ نفس آنها و در آفاق نشان‌شان می‌دهیم یعنی دگرگونی آفاق بر آنها، به این ترتیب قدرت خدای عزیز و جلیل را بر خود و آفاق می‌بینند و در مورد (حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ) فرمودند: خروج قائم، حقی است از طرف خداوند عزیز و جلیل که مردم به ناچار آن را می‌بینند). تفسیر الصافی جلد ۴ ص ۳۶۵-۳۶۴.

۹۶. ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِن كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ﴾، (ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم بر تو حکایت می‌کنیم و تو قطعا پیش از آن از بی‌خبران بودی). یوسف: ۳.

و بر ما قصه یوسف (علیه السلام) را می خواند،^(۹۷) و تحقیقش را در زمین تبیین می کند و بر ما رؤیای زندانیان^(۹۸) و تحقق آن بر زمین را می خواند و قصه رؤیای فرعون کافر^(۹۹) را و اعتماد یوسف (علیه السلام) بر رؤیای او را می خواند و این را گوشزد می کند که یوسف بر اساس این رؤیا اقتصاد دولتی را بنا نهاد و از آنجا آن را در زندگی تحقق داد.

و قرآن بر ما قصه بلقیس ملکه سبأ را می خواند و او در عالم رؤیا دانست که سلیمان (علیه السلام) نبی خداست. پس رؤیایش را راست پنداشت و در نهایت ایمان آورد: ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ﴾،^(۱۰۰) و از کجا دانست که این نامه نامه ای بزرگ است الا از طریق خدا و از طریق رؤیا و مکاشفه؟ و به همین ترتیب رؤیا هیچ گاه از انبیای خدا و رسلش و اولیای آن ذات سبحان و متعال جدا نشد که نشان های بزرگ از آیات خداست و راهی است که خداوند سبحان با آن با بندگان سخن می گوید. آری رؤیا آغاز وحی الهی است.

و اما از احادیث رسول الله ﷺ: ایشان به رؤیا به شدت توجه داشت و اهمیت می داد تا آنجا که هر روز پس از نماز صبح به اصحابش توجه می کرد و می پرسید: (هل من مبشرات هل من رؤیا)،^(۱۰۱) (آیا بشارتی به شما نرسید؟ آیا رؤیائی ندیدید؟).

۹۷. ﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾، (یاد کن) زمانی را که یوسف به پدرش گفت ای پدر من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم دیدم [آنها] برای من سجده می کنند). یوسف: ۴.

۹۸. ﴿وَوَدَّخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانًا قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبْنَأُ بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾، (و دو جوان با او به زندان درآمدند [روزی] یکی از آن دو گفت من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می فشارم و دیگری گفت من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می برم و پرندگان از آن می خورند به ما از تعبیرش خبر ده که ما تو را از نیکوکاران می بینیم). یوسف: ۳۶.

۹۹. ﴿وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ﴾، (و پادشاه [مصر] گفت من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می خورند و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر ای سران قوم اگر خواب تعبیر می کنید در باره خواب من به من نظر دهید). یوسف: ۴۳.

۱۰۰. النمل: ۲۹.

۱۰۱. الکافی: ج ۸ ص ۹۰ / بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۱۷۷.

و وقتی کسی از اصحابش رؤیائی نمی‌دید می‌فرمود: (هم اکنون جبرئیل نزد من بود که می‌فرمود چگونه ما به سوی آنها برویم و به آنها رؤیا نشان دهیم و به سمت ناخن‌های آنان اشاره نمود)... کنایه از این که آنها مستحق دیدن بشارت نبودند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: (هر که ما را در عالم رؤیا ببیند، خود ما را دیده است و شیطان به شکل ما و اوصیای ما در نمی‌آید).^(۱۰۲) و نبی اکرم بارها بر این موضوع تأکید کرد. برای بررسی دقیق به کتاب دار السلام که ۴ جلد است،^(۱۰۳) و روایات مربوط به رؤیا معرفی می‌کند مراجعه شود.

پیامبر رؤیا را وسیله‌ای برای هدایت و ایمان معرفی کرد و ایمان خالد ابن سعید عاص را که از طریق رؤیا بود،^(۱۰۴) پذیرفت و رؤیای یهودی که موسی (علیه السلام) را در خواب دیده بود که از حقانیت محمد (صلی الله علیه و آله) خبر داد،^(۱۰۵) را تأیید کرد، و رسول الله (صلی الله علیه و آله) اقرار کرد که رؤیا حقی از خدا است و کلامی است که رب سبحان با آن با بنده‌اش سخن می‌گوید.^(۱۰۶)

اما از اهل بیت (علیهم السلام): (هر که ما را ببیند خود ما را دیده است و شیطان شبیه ما

۱۰۲. بحار الأنوار: ج ۳۰ ص ۱۳۲ / دار السلام: ج ۱ ص ۵۹.

۱۰۳. کتاب در چهار جزء، شیخ الحدیث - المیرزا حسین النوری صاحب مستدرک الوسائل.

۱۰۴. ابن اسعد روایت می‌کند: (محمد بن عبد الله بن عمرو بن عثمان گوید: ایمان آوردن و تسلیم خالد بن سعید از دیرباز بوده و او در ایمان آوردن از برادرانش پیشی گرفته و داستان ایمانش این بود که در رؤیا می‌بیند بر لبه‌ی آتش ایستاده و از هراس آن در خواب خدا داند چه کشیده و می‌دید که پدرش او را به سوی آتش می‌برد و دید که رسول الله (صلی الله علیه و آله) آمد و دست او را از آتش گرفت و او را کنار زد، پس از خواب پرید و گفت به خدا قسم می‌خورم که این رؤیا حق است). الطبقات: ج ۴ ص ۹۴.

۱۰۵. جعفر بن عبد الله انصاری گوید: (جندل بن جناده یهودی از خبیر بر رسول الله (صلی الله علیه و آله) وارد شد و گفت: ای محمد با خیرم کن از آنچه که برای خدا نیست و آنچه که نزد او نیست و آنچه که در علم او نیست. رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند: اما آنچه که برای خدا نیست: آن شریک و همتاست. و آنچه که نزد او نیست: ظلم و ستم به بندگان. و آنچه که نمی‌داند: آن گفته‌ی شما ای قوم یهود که می‌گویید: عذیر پسر خداست و خدا نمی‌داند که فرزندی برایش بدنیآ آمده. پس جندل گفت: شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست و تو به حق فرستاده و رسول او هستی. سپس گفت: یا رسول الله دیشب در خواب دیدم که موسی بن عمران به من فرمود: ای جندل برو و به دست محمد تسلیم شو و به اوصیای بعد از او متمسک شو. پس تسلیم گشتم و خداوند آن را روزم قرار داد...). بحار الأنوار: ج ۳۶، ص ۳۰۵-۳۰۴.

۱۰۶. مراجعه شود: بحار الأنوار: ج ۵۸ ص ۲۱۰.

نمی شود). (۱۰۷)

و از آنان وارد است که رؤیا در آخر شب تکذیب نمی شود و در آن اختلافی نیست، (۱۰۸) و رؤیا در آخر الزمان تکذیب نمی شود. (۱۰۹) و در آخر الزمان چیزی که باقی می ماند، رأی مؤمن و رؤیای اوست. (۱۱۰) امام حسین (علیه السلام) ایمان وهب نصرانی را بر اساس رؤیای او و دیدن عیسی (علیه السلام) پذیرفت و امام رضا (علیه السلام) ایمان بعضی از واقفیه (گروهی که معتقدند امام کاظم (علیه السلام) مهدی موعود است) را به دلیل رؤیا پذیرفت و به آن واقفیه گفت که به خدا سوگند به حق بازگشتی. (۱۱۱)

۱۰۷. شخصی از خراسان به امام رضا (علیه السلام) عرض کرد: رسول الله ﷺ را در خواب دیدم که فرمود: چگونه اید آن گاه که پاره تن من در زمین شما دفن می شود و امانت من در زمین شما سپرده می شود و ستاره من در زمین شما مخفی می شود؟ امام رضا (علیه السلام) فرمود: من در سرزمین شما دفن می شوم. من پاره تن نبی شمام. و من همان امانت و ستاره ام. بدانید هر که مرا زیارت کند و به حق من و اطاعتم که خدا واجب فرمود، آگاه باشد، در روز قیامت من و پدرم، شفیع او خواهیم بود و هر که ما شفیعش باشیم، نجات یافته است حتی اگر بار گناه انس و جن را بر دوش داشته باشد و پدرم از جدم از پدرش نقل کرد که رسول الله ﷺ فرمودند: هر که مرا در خواب ببیند به تحقیق که خود مرا دیده است؛ زیرا شیطان نمی تواند به صورت من و یکی از اوصیای من و یکی از شیعیان من در آید. همانا رؤیای صادق جزئی از ۷۰ جزء نبوت است). من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۸۴.

۱۰۸. از امام صادق (علیه السلام): (اما رؤیائی که پس از دو سوم شب و در هنگام نزول ملائکه و پیش از سحر روی دهد، اختلافی در آن نیست ان شاء الله). الکافی: ج ۸ ص ۹۱ ح ۶۲.

۱۰۹. شرح أصول الکافی - للمازندرانی: ج ۱۱ ص ۴۷۶.

۱۱۰. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (رؤیای مؤمن در آخر الزمان، جزئی از ۷۰ جزء نبوت است). دار السلام: ج ۱ ص ۱۸.

۱۱۱. حسن بن علی الوشاء گوید: (مردی از مرو به همراه ما رجال واقفی بود. پس به او گفتم: تقوای الهی داشته باش. من هم مانند تو بودم اما خداوند قلبم را نورانی کرد، تو روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بدار و غسل کن و دو رکعت نماز بخوان و از خداوند بخواه که تو را در رؤیا بدین امر ارشاد و راهنمایی کند. پس به خانه بازگشتم و کتابی از ابی الحسن یافتم که در آن مرد را به این امر دعوت کنم، به سوی او رفتم و با خبر کردم و گفتم: خداوند را سپاس گو و صد بار استخاره بگیر. و بدو گفتم: من کتاب ابی الحسن را یافتم و خواستم آنچه که در آن است را به تو بگویم و از خداوند می خواهم که قلبت را نورانی گرداند. پس آنچه از روزه داری و دعاء به تو گفتم را انجام ده... در سحرگاه روز شنبه به سویم آمد و گفت: شهادت می دهیم که او امام مفترض الطاعه است. گفتم: چگونه یقین حاصل کردی؟ گفت: دیشب ابو الحسن در خواب به سویم آمد و فرمود: ای ابراهیم به خدا

و اگر بیشتر بخواهی، بحث به طول می‌انجامد ولی چه کنی با کسی که خورشید را در وسط روز انکار می‌کند و چگونه استدلال کنی با کسی که در هنگام ظهر، مدعی است که اکنون نیمه شب است. و چاره‌ای نیست جز آنکه بگوییم انا لله و انا الیه راجعون (همه از خداییم و همه به سویش باز می‌گردیم) و هیچ نیرو و توانی به جز از طرف خدای بزرگ بلند مرتبه نیست و ظالمان خواهند دانست که عاقبت به کجا می‌روند.

خدای متعال فرمود: ﴿سُنِّرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ * أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِّنْ لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَّا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ﴾، (به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است * آری آنان در لقای پروردگارشان تردید دارند آگاه باش که مسلما او به هر چیزی احاطه دارد). (۱۱۲)

و انکارشان بر رؤیا که از نشانه‌های انفسی است به دلیل آن است که آنان در شک دیدار پروردگار خویشند. و سپاس ستایش شایسته خداست).

والحمد لله رب العالمین

سوگند که به حق بازگشتی و اذعان داشت که کسی از آن آگاه نیست جز خداوند متعال). بحار الأنوار: ج ۴۹، ص ۵۳-۵۴.

فهرست کتاب:

۵	اهداء:
۱۰	نکته‌ی اول
۱۰	رؤیای انبیاء - رؤیای عامه
۲۰	رؤیای صادق
۲۱	پند و نصیحت آل محمد (علیهم السلام) در بازگو کردن رؤیا
۲۷	نکته‌ی دوم
۲۷	شناخت قلبی معصوم
۳۲	نکته‌ی سوم
۳۲	انطباق رؤیا و عدم انطباق آن بر عالم جسمانی
۳۷	نکته‌ی چهارم
۳۷	دین خدا گران‌تر از رؤیاست
۳۹	نکته‌ی پنجم
۳۹	رؤیا حجت بر صاحب خود می‌باشد
۴۴	بهترین کلام، کلام آل محمد (علیهم السلام) است